

تحلیل نظری سازوکارهای حل و فصل مناقشات پساانتخاباتی؛ با نگاهی به ایران

* صدیقه شیخزاده جوشانی

** یحیی کمالی

*** سارا پورشیخعلی

چکیده

انتخابات، آن گونه که در دموکراسی های لیبرال اجرا می شوند، ابزاری هستند که شهروندان با استفاده از آن، افراد مورد نظر خود را برای کسب مقام های

* (نویسنده مسئول) استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران، (ssheikhzadeh@uk.ac.ir)

** دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران، (yahyakamali@uk.ac.ir)

*** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران، (sara.porshikhali@gmail.com)

تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۱۲/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۸/۱۶

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۸، صص ۱۲۶-۸۷

عمومی، انتخاب و صلاحیت اعمال قدرت را به آنها اعطا می‌کنند؛ ازاین‌رو، انتخابات، جزئی کلیدی از فرایند دموکراسی‌سازی هستند که انتظار می‌رود بتوانند به گونه‌ای شفاف، آزادانه، منصفانه، و مسالمت‌آمیز، امکان تغییر در حکومت و توزیع قدرت را در یک نظام سیاسی فراهم آورند. درعین‌حال، انتخابات، فرایندهای رقابتی‌ای هستند که می‌توانند زمینه‌ساز تنش‌ها، کشمکش‌ها، و مناقشات گاه طولانی همراه با خشونت سیاسی و در نتیجه، بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی شوند. در اینجاست که موضوع مناقشات انتخاباتی و چگونگی حل و فصل آنها اهمیت پیدا می‌کند. مناقشات، جزئی ذاتی از فرایند انتخابات هستند که ممکن است در هر مرحله از فرایند چرخه انتخاباتی (پیش، در طول، و پس از انتخابات) روی دهند؛ ازاین‌رو، پژوهش حاضر کوشیده است با بهره‌گیری از روش اسنادی و ابزار فیش‌برداری کتابخانه‌ای، با بررسی هدفمند مطالعات مرتبط با مناقشات پسانتخاباتی، در قالب مضمون چگونگی حل و فصل این مناقشات، سازوکارهایی را شناسایی کند که عمده‌تاً برای حل و فصل مناقشات پسانتخاباتی به‌کار گرفته می‌شوند. یافته‌ها بیانگر این است که برای حل و فصل مناقشات انتخاباتی، سه دسته سازوکار وجود دارد که عبارتند از: سازوکارهای رسمی/دولتی، غیررسمی/جایگزین، و تلفیقی (به‌معنای به‌کارگیری ترکیبی از سازوکارهای رسمی و غیررسمی). براین‌اساس، چرخش از تأکید صرف بر رویکرد و به‌کارگیری سازوکارهای رسمی به‌سوی رویکرد تلفیقی و استفاده از سازوکارهای غیررسمی جایگزین به‌عنوان مکمل سازوکارهای رسمی، که با نوع نظام سیاسی، نظام انتخاباتی، زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی و نوع مناقشه در یک کشور تناسب داشته باشد، پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: انتخابات، فرایند انتخاباتی، مناقشه انتخاباتی، سازوکارهای حل و فصل مناقشات انتخاباتی، ایران

مقدمه

از دیدگاه نظریه‌های کلاسیک نمایندگی^(۱) (در چارچوب نظریه‌های دموکراسی)، انتخابات، یکی از ویژگی‌های دموکراسی نمایندگی است که به افراد امکان می‌دهد تا آزادانه، رهبران و خط‌مشی‌های عمومی را انتخاب و از این طریق، بر تدوین سیاست‌های حکومت اعمال نفوذ کنند. انتخابات آن‌گونه که در دموکراسی‌های لیبرال انجام می‌شود—سازوکار رسمی‌ای است که شهروندان از طریق آن، افراد موردنظر خود را برای مقام‌های عمومی انتخاب می‌کنند. همچنین، انتخابات، سکویی^۱ را در اختیار شهروندان قرار می‌دهند تا بتوانند به‌طور غیرمستقیم و از طریق نماینده خود در حکومت مشارکت کنند؛ از این رو، انتخابات، جزء کلیدی‌ای از فرایند حکومت دموکراتیک هستند که به‌گونه‌ای شفاف و مسالمت‌آمیز، امکان تغییر در حکومت و توزیع قدرت را فراهم می‌کنند. جف فیشر^۲، کارشناس و پژوهشگر انتخاباتی با این استدلال که انتخابات، ابزار دموکراتیکی برای دستیابی به حکمرانی^۳ هستند—می‌گوید، انتظار می‌رود که این ابزار سه کارکرد را با هم داشته باشد: مشارکت، رقابت، و مشروعیت (فیشر^۴، ۲۰۰۲).

اما بخشی از یافته‌های مطالعات مرتبط با مناقشات انتخاباتی، حاکی از این است که انتخابات، الزاماً به‌عنوان ابزار دموکراسی‌سازی عمل نمی‌کنند. انتخابات درعین حال که فرایندهای رقابتی هستند، می‌توانند زمینه‌ساز تنش‌ها، کشمکش‌ها، و مناقشات گاه

1. Platform
2. Jeff Fischer
3. Governance
4. Fischer

طولانی، همراه با خشونت سیاسی شوند؛ به‌ویژه در کشورهای در حال‌گذار به دموکراسی^(۲) «متصدیان انتخاباتی ممکن است نتایج انتخابات را دستکاری یا تحریف کنند یا بر این نظر باشند که می‌توان از این طریق در فرایندهای انتخاباتی اعمال نفوذ کرد» (هاگلند و جارستاد^۱، ۲۰۰۲: ۲)؛ از این‌رو، هرگونه اختلال در کارکردهای سه‌گانه موردانتظار از انتخابات می‌تواند این سازوکار انتقال قدرت دموکراتیک را زیر سؤال ببرد و سبب بروز مناقشات انتخاباتی شود. در اینجا، مناقشات انتخاباتی^۲، جزئی ذاتی از انتخابات است که می‌تواند در هر مرحله از فرایند چرخه انتخاباتی^۳ (پیش، در طول و پس از انتخابات) روی دهد. براساس یک آمار از انتخابات بحث‌برانگیز بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷، یکصد و چهار مناقشه انتخاباتی در کشورهای مختلف روی داده است (ویکی‌پدیا، فهرست انتخاباتی بحث‌برانگیز^۴، ۲۰۱۷: ۱). «مناقشات انتخاباتی جایی و زمانی پدیدار می‌شوند که یک کنشگر یا تعداد بیشتری از کنشگران انتخاباتی، منکر درستی فرایندهای انتخاباتی شوند یا نتایج انتخابات را زیر سؤال ببرند» (درامانویک^۵، ۲۰۱۰: ۱۱).

برخی پژوهشگران حوزه انتخابات دریافته‌اند: «درحالی‌که رخداد مناقشات انتخاباتی و خشونت‌های پس از آن در دوره پیش‌انتخابات رایج‌ترند، مناقشات پس‌انتخاباتی که هر دو طرف متصدیان و مخالفان را درگیر می‌کند، معمولاً محتمل‌تر و شدیدتر هستند» (گلاب و دیوفاسی^۶، ۲۰۱۶: ۴). تاریخ مناقشات انتخاباتی نشان می‌دهد، این نوع از مناقشات انتخاباتی می‌توانند به‌سرعت به خشونت سیاسی تبدیل شوند و اگر به‌گونه‌ای سازنده حل و فصل نشوند، می‌توانند به‌گونه‌ای بالقوه، ساختار دولت‌ها و جوامع را بی‌ثبات، و حتی در مواردی، هزینه‌های سنگین سیاسی، انسانی، و اقتصادی را به یک کشور تحمیل کنند؛ از این‌رو، چالش‌های برانگیخته‌شده از طریق مناقشات مرتبط با انتخابات و خشونت

1. Hogland and Jarstad
2. Election Disputes
3. Election Cycle
4. Wikipedia, List of Controversial elections
5. Dramanovic
6. Glab and Diofasi

سیاسی، موجب افزایش اهمیت ایجاد و به‌کارگیری سازوکارهایی می‌شوند که به رقابت سیاسی نظم ببخشند، مشارکت سیاسی را باثبات کنند، و مناقشات را به اجماع و توافق بین طرف‌های درگیر تبدیل کنند.

براین‌اساس، انتظار می‌رود، یکی از موضوعات و اهداف در دستورکار دانشوران و پژوهشگران حوزه مطالعات انتخاباتی، شناسایی و ارزیابی سازوکارهای حل و فصل مناقشات انتخاباتی باشد. اگرچه وجود یک نظام یا سازوکار حل و فصل مناقشه انتخاباتی به‌خودی‌خود نمی‌تواند تضمین‌کننده انتخابات آزاد، منصفانه، و معتبر باشد، غیاب آن می‌تواند مناقشه موجود را تشدید کند یا حتی سبب درگیری‌های مسلحانه یا خشونت‌آمیز شود.

باوجوداین، بررسی آثار مرتبط با مسئله پژوهش حاضر نشان می‌دهد که پژوهشگران حوزه انتخابات، به موضوع سازوکارهای حل و فصل مناقشات انتخاباتی نسبت به ابعاد دیگر فرایند انتخابات—توجه کمتری داشته‌اند.

پژوهش حاضر با آگاهی از خلأ نظری-پژوهشی موجود در زمینه چگونگی حل و فصل مناقشات پساتنخاباتی، کوشیده است ضمن ارائه تصویری از جایگاه مبحث مناقشات مرتبط با انتخابات در حوزه مطالعات انتخاباتی، با تحلیل نظری آثار مرتبط با موقعیت‌های انتخاباتی‌ای که در کشورهای گوناگون به مناقشه بر سر نتایج انتخابات منتهی شده‌اند، به شناسایی سازوکارها و رویکردهایی بپردازد که برای حل و فصل مناقشات رخ داده به‌کار گرفته شده‌اند. حاصل این بررسی، شناسایی و مقایسه سازوکارهایی است که بیشتر در حل و فصل مناقشات پساتنخاباتی در برخی کشورها به‌کار گرفته شده‌اند؛ ازاین‌رو، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که «سازوکارها و رویکردهای به‌کارگرفته‌شده در حل و فصل مناقشات پساتنخاباتی در کشورهای مختلف کدامند؟»

۱. پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهش در حوزه مورد مطالعه نشان می‌دهد، بیشتر مطالعات تجربی انجام‌شده در زمینه حل و فصل مناقشات پساتنخاباتی مربوط به قاره آفریقا هستند؛ جایی که دموکراسی‌های در حال گذار، مناقشات انتخاباتی گاه خشونت‌باری را تجربه

کرده‌اند؛ به‌عنوان نمونه، آلوارز در پژوهشی با عنوان «تبیین کیفیت انتخابات، ماهیت حل‌وفصل مناقشه انتخاباتی» (آلوارز^۱، ۲۰۰۱) با تمرکز بر مطالعه موردی نیجریه، کارایی دادگاه‌ها و محکمه‌های انتخاباتی و همچنین، نقش هیئت قضات را در حل‌وفصل مناقشات انتخاباتی سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ (با بهره‌گیری از دیدگاه‌های ناظران انتخاباتی) بررسی کرده است. نتایج این مقاله حاکی از این است که بهبود تدریجی وضعیت انتخابات در نیجریه در سال ۲۰۱۱، با دگرگونی ایجادشده در نظام قضایی بی‌ارتباط نیست، اما ناتوانی این کشور در ساخت یک دموکراسی، به بی‌لیاقتی و عدم صداقت نظام قضایی به‌عنوان یک سازوکار رسمی حل‌وفصل مناقشات انتخاباتی—مربوط است.

نوشته مرتبط دیگر، مقاله‌ای است با عنوان «میانجی‌گری: یک سازوکار قابل تداوم در بحران سیاسی آفریقا: مطالعه موردی بحران پسانتخاباتی ۲۰۰۸ در کنیا (خالد و کولیه^۲، ۲۰۰۸) که در آن نویسندگان، نقش میانجی‌گری جامعه بین‌المللی را در قالب یک نظام متشکل از شخصیت‌های برجسته آفریقایی به رهبری کوفی عنان، دبیرکل اسبق سازمان ملل، به‌عنوان یکی از سازوکارهای مؤثر بر حل‌وفصل مناقشه انتخاباتی ۲۰۰۸ کنیا بررسی کرده‌اند. براساس دیدگاه نویسندگان این پژوهش، بدون این تلاش‌های میانجی‌گرانه، توافق سیاسی و پایان مناقشه انتخاباتی در مدت‌زمان کوتاهی امکان‌پذیر نبوده است.

«حل‌وفصل مناقشه عدالت انتخاباتی در آفریقا: راه پیش رو» (نکانساح^۳، ۲۰۱۵)، عنوان پژوهش مرتبط دیگری است که با هدف بررسی داوری قضایی و نقش نهادهای قضایی، به‌ویژه دادگاه‌ها در حل‌وفصل مناقشات انتخاباتی در آفریقا انجام شده است. براساس یافته‌های این پژوهش، نظام‌های قضایی در بسیاری از کشورهای آفریقایی، به فساد، دادگاه‌های ناعادلانه، و مشکلات سیاسی دچار بوده و قادر نیستند این مناقشات را به‌گونه‌ای مؤثر مدیریت کنند. پژوهش دیگر، گزارشی است با عنوان «ارزیابی سازوکارهای پیشگیری و

1. Alvarez
2. Khaled and Kulliyyah
3. Nkansah

حل و فصل مناقشه پساانتخاباتی در نیجریه» (افولابی و اواسیلوا، ۲۰۱۵) که نویسندگان آن، هدف خود از انجام این پژوهش را توصیف، تبیین، و ارزیابی سازوکارهای رسمی و غیررسمی به کار گرفته شده در مناقشه انتخاباتی سال ۲۰۱۵ در نیجریه بیان کرده‌اند. در این گزارش پژوهشی که با استفاده از روش کیفی و فن نمونه‌گیری گلوله‌برفی انجام شده است - کمیته ملی صلح، شورای تدبیر، مداخلات دیپلماتیک، کمپین‌های ضدخشونت در سازمان‌های وابسته به جامعه مدنی، رسانه‌ها، رهبران مذهبی، زعمای سنتی، احزاب سیاسی، و کمیسیون ملی انتخابات، به‌عنوان مراجع رسمی و غیررسمی‌ای شناسایی شده‌اند که در حل و فصل مناقشات انتخاباتی سال ۲۰۱۵ در نیجریه نقش داشته‌اند.

«پاسخی به مناقشه انتخاباتی در آفریقای غربی، نشست کارشناسان به‌منظور تدوین یک راهنمای عملی»، عنوان گزارش مرتبط دیگری است که نهاد موسوم به شبکه آفریقای غربی برای ایجاد صلح^۲ (مؤسسه دلبیوای‌ان‌ئی‌پی^۳، ۲۰۱۱) انجام داده است. یافته‌های این گزارش که با هدف شناسایی سازوکارهای مؤثر بر حل و فصل مناقشات انتخاباتی آفریقای غربی تدوین شده است - حاکی از این است که با وجود نهادهایی مانند «سازوکار هشداردهنده اولیه، وابسته به سازمان جامعه اقتصادی دولت‌های آفریقای غربی»^۴ که نقش آن پیشگیری از منازعات انتخاباتی، از طریق شناسایی زودهنگام منازعات و هشدار به دولت‌های آفریقایی بوده است، درگیری‌های خشونت‌آمیز ناشی از مناقشات انتخاباتی در آفریقای غربی همچنان رواج دارند.

پژوهش مرتبط دیگر، مقاله‌ای است با عنوان «میانجی‌گری و دادرسی پساانتخاباتی: یک راه پیش رو» (گرین،^۵ ۲۰۱۲) که در زمینه مکانی‌ای متفاوت با پژوهش‌های پیشین انجام شده است. نویسنده این اثر با تأکید بر یک مناقشه

1. Afolabi and Avasiloae
2. The West Africa Network for Peace Building
3. Institution WANEP
4. The Economic Community of West-Africa States (ECOWAS) in the Operationalization of the ECOWAS Early Warning Mechanism (ECOWARN)
5. Green

انتخاباتی در ایالات متحده آمریکا، کوشیده است این فرضیه را که سازوکارهای جایگزین/ غیررسمی برای حل و فصل مناقشات انتخاباتی مناسب نیستند، به چالش بکشد. این مقاله با تمرکز بر سازوکار میانجی‌گری به‌عنوان یکی از سازوکارهای غیررسمی/ جایگزین/ فراقضایی در زمینه مناقشات انتخاباتی، ادعا می‌کند که این سازوکار هنگامی که فرایند انتخابات به‌درستی انجام نشود— می‌تواند نقش سودمندی در حل و فصل مناقشات ایفا کند.

در میان پژوهش‌های داخلی می‌توان، با تسامح، دو پژوهش زیر را در قالب بحث مناقشات انتخاباتی جای داد.

پژوهش نخست، مقاله‌ای است با عنوان «نقش راهبردی مقام معظم رهبری در ناکام گذاردن وقایع انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸» که دهقانی و ملکوتیان (۱۳۹۴) نوشته‌اند. نویسندگان در این اثر با طرح چارچوب نظری محقق‌ساخته در قالب «الگوی تصمیم‌گیری حکیمانه»، کوشیده‌اند نقش رهبر جمهوری اسلامی ایران را در مدیریت مناقشه انتخاباتی سال ۱۳۸۸ بررسی کنند. براساس یافته‌های این مقاله، رهبر جمهوری اسلامی ایران در رویارویی با مناقشه انتخاباتی سال ۱۳۸۸، کوشید با بهره‌گیری از آنچه نویسندگان، «چارچوب راهبرد حکیمانه» می‌نامند، «این طرح را خشتی کند».

«مدیریت انتخابات در ایران؛ کیفیت و ارزیابی اجرا» (قیصری و همکاران، ۱۳۹۴) عنوان پژوهش دیگری است که در داخل انجام شده است. نویسندگان این پژوهش، بدون اشاره به موقعیت انتخاباتی خاصی در ایران، بر این نظرند که بخشی از آنچه آن‌ها «چالش‌های انتخابات در ایران» می‌نامند، «ناشی از ویژگی‌های الگوی مدیریت انتخاباتی در فرایند برگزاری و اجرا است»؛ ازاین‌رو، تأسیس «نهادی فراقوه‌ای، مانند کمیسیون ملی انتخابات» را به‌عنوان سازوکار پیشنهادی‌ای مطرح می‌کنند که «می‌تواند از بروز برخی چالش‌های انتخاباتی کنونی ایران در اجرا و عمل پیشگیری کند».

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مطالعات بنیادی است که در آن نویسندگان کوشیده‌اند به‌اقتضای هدف پژوهش، یعنی معرفی سازوکارهای حل و فصل مناقشات

پساانتخاباتی، با جست و جو و بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه، این سازوکارها را شناسایی و دسته‌بندی کنند. بررسی اولیه پژوهش‌های مرتبط نشان داد که اغلب این مطالعات، به صورت کاربردی و با تمرکز بر مطالعات موردی، پراکنده و در قالب‌های گوناگون، شامل گزارش‌های موردی (تدوین‌شده توسط نهادهای غیردولتی بین‌المللی فعال در حوزه انتخابات)، کتابچه‌های راهنما^۱، و تا حد کمتری، مقاله‌های علمی انجام و منتشر شده‌اند. همچنین، به لحاظ قلمرو مکانی، تمام این پژوهش‌ها، بیرونی، و بیشتر بر قاره آفریقا (جایی که مناقشات انتخاباتی طولانی و گاه خشونت‌باری را تجربه کرده است) متمرکز بوده‌اند؛ از این رو، پژوهشگران با بهره‌گیری از یک تحلیل نظری، ضمن تعریف پدیده مناقشه انتخاباتی و نشان دادن جایگاه آن در مطالعات انتخاباتی، اقدام به شناسایی و دسته‌بندی سازوکارهای به کارگرفته شده برای حل و فصل مناقشات انتخاباتی و بیان مواردی از کاربردهای آن‌ها در کشورهای گوناگون کرده‌اند. این پژوهش — که داده‌های آن به روش اسنادی گردآوری شده‌اند — در واقع، تلاشی برای برجسته کردن پدیده مناقشات انتخاباتی و به سطح آوردن اهمیت چگونگی حل و فصل این مناقشات است؛ از این رو، می‌تواند مورد توجه پژوهشگران حوزه مطالعات انتخاباتی و نیز علاقه‌مندان حقوق عمومی انتخابات قرار گیرد.

۳. مناقشات انتخاباتی و جایگاه آن‌ها در حوزه مطالعات انتخاباتی

«مناقشه^۲» به لحاظ لغوی در زبان فارسی به معنای سختی با کسی در کاری، ستیزگی، خصومت، نزاع، و بحث تعریف شده است (دهخدا، ۱۳۹۰: ۲۸۲۰). این واژه در زبان انگلیسی، از ریشه فرانسوی "disputer" و لاتین "disputare" و مترادف با نزاع^۳، چالش^۴، منازعه^۵، و جدل^۶ به کار رفته و به لحاظ مفهومی، به معنای «درگیر یا وارد

1. Handbook
2. Dispute
3. Quarrel/ Struggle
4. Challenge
5. Conflict
6. Contest

شدن به یک استدلال^۱ یا مباحثه، به‌ویژه به‌منظور ارائه استدلالی درباره یا موردسؤال قرار دادن یا انکار درستی یا حقیقت چیزی» معنا شده است.^(۳)

نویسندگان در بررسی ادبیات (خارجی) مرتبط با پژوهش، دریافته‌اند که اغلب پژوهشگران، مناقشه انتخاباتی را مترادف با دو واژه "conflict" و "dispute" به‌کار برده‌اند. در پژوهش حاضر، اصطلاح «مناقشه انتخاباتی»، مترادف با "Electoral-related dispute/ dispute مدنظر بوده است.

مناقشه، به‌عنوان یک پدیده، یک فرایند اجتماعی شایع با ویژگی چندبعدی است که در تمام نظام‌های اجتماعی، بدون توجه به موقعیت مکانی و زمانی، یا سادگی و پیچیدگی آن‌ها، وجود دارد. مناقشه در روابط شخصی، سازمانی، ملی، و بین‌المللی بروز می‌کند. به‌عبارت روشن‌تر، مناقشه، پدیده‌ای تاریخی در جوامع بشری است. این پدیده از چگونگی و تعامل انگیزه‌های مختلف میان افراد، گروه‌ها، و بیشتر از تقسیم منافع، ارزش‌ها، یا ایده‌ها سرچشمه می‌گیرد (واعظی، ۱۳۸۴: ۱۳). در زمینه موضوعی پژوهش حاضر، مفهوم مناقشه، همراه با مفهوم انتخابات، به‌شکل «مناقشه انتخاباتی» به‌کار رفته است. در اینجا، مناقشه انتخاباتی یا مناقشات مرتبط با انتخابات، جزئی ذاتی از فرایند انتخابات فرض شده است. به‌لحاظ چرایی و زمان رخداد، یک مناقشه انتخاباتی، اغلب در مکان و زمانی پدیدار می‌شود که یک کنشگر یا کنشگران بیشتری منکر اعتبار فرایند انتخابات شوند یا نتایج انتخابات را زیر سؤال ببرند. براساس یک تعریف از مناقشات مرتبط با انتخابات، زمان رخداد یک مناقشه انتخاباتی، تنها به دوره زمانی اجرای انتخابات و اعلام نتایج محدود نمی‌شود. فیشر، پنج‌گونه مناقشه انتخاباتی را شناسایی کرده است که در پنج فاصله زمانی از گاهشمار یک انتخابات روی می‌دهند:

۱. مناقشه هویتی^۲ که در فرایند نام‌نویسی روی می‌دهد؛
۲. مناقشه کارزاری^۳: این مناقشه زمانی رخ می‌دهد که رقبای انتخاباتی درصدد ایجاد اخلال در کارزارهای مخالفان و ارباب رأی‌دهندگان و کاندیدا هستند تا بر

-
1. Argument
 2. Identity Dispute
 3. Campaigning Dispute

[میزان] مشارکت در رأی‌دهی تأثیر بگذارند؛

۳. مناقشه رأی‌دهی^۱ که در روز انتخابات رخ می‌دهد؛ زمانی که رقبا در جایگاه رأی‌گیری مشغول هستند؛

۴. مناقشه نتایج^۲ که در زمان اعلام نتایج و در نتیجه ناتوانی سازوکارهای قضایی در حل و فصل مناقشه روی می‌دهند؛

۵. مناقشه نمایندگی^۳: این دسته از مناقشات، زمانی روی می‌دهند که انتخابات به‌عنوان رویدادهایی با «حاصل جمع صفر»^۴ سازمان‌دهی شده‌اند و بازنندگان انتخابات از مشارکت در حکومت کنار گذاشته می‌شوند (فیشر، ۲۰۰۲: ۳).

در پژوهش حاضر، مناقشه پس از اعلام نتایج انتخاباتی، یعنی مرحله چهارم از مراحل پنج‌گانه فیشر، مدنظر بوده است.

با وجود اهمیت مناقشات انتخاباتی و چگونگی حل و فصل آن‌ها، به‌نظر می‌رسد دانشوران و پژوهشگران حوزه مطالعات انتخاباتی، توجه زیادی به این موضوع نداشته‌اند. براساس ارزیابی «مرکز کارتر»^۵ (نهادی که به‌گفته کارشناسان آن، سال‌های طولانی‌ای همراه با سازمان‌های همکار و کارشناسانی در حوزه نظارت و همکاری انتخاباتی فعال بوده است)، تلاش‌ها در حوزه ارزیابی انتخاباتی بیشتر بر کل فرایند انتخابات متمرکز بوده‌اند، درحالی‌که حل و فصل مناقشات انتخاباتی، به‌عنوان موضوعی که نیاز به پژوهش و مطالعه بیشتر دارد، از چشم پژوهشگران مطالعات انتخاباتی به‌دور مانده است. براساس برآورد این نهاد بین‌المللی غیردولتی فعال در حوزه فرایند انتخابات، سازوکارهای حل و فصل مناقشات انتخاباتی، نسبت به ابعاد دیگر فرایند انتخابات (مانند نام‌نویسی رأی‌دهنده^۶)، میزان یکسانی از تحلیل و توجه دانشوران و پژوهشگران این حوزه را دریافت نکرده است (مرکز کارتر، ۲۰۱۸: ۳-۱).

با این حال، به‌نظر می‌رسد، برخی دانشوران حوزه مطالعات انتخاباتی^(۴)

1. Balloting Dispute
2. Result Dispute
3. Representation Dispute
4. Zero Sum
5. Carter Center
6. Voter Registration

فعالیت‌هایی را برای برجسته کردن بحث مناقشات انتخاباتی انجام داده‌اند؛ به‌عنوان مثال، توبی‌اس. جیمز^۱، دانشور مطالعات انتخاباتی بریتانیایی، کوشیده است با مقوله‌بندی تمرکز مطالعه در درون مطالعات انتخاباتی، بحث مناقشات انتخاباتی را در این حوزه کلان از پژوهش‌های علوم سیاسی جای دهد (جدول شماره ۱).

جدول شماره (۱). تمرکز پژوهش بر مطالعات انتخاباتی

مقوله	حوزه موضوعی
مدیریت/اداره ^۲ انتخابات	رویه‌های اداری مورد استفاده برای رأی‌دهی و تدوین ثبت‌کننده انتخاباتی
قانون‌گذاری درباره ^۳ حق رأی عمومی	معیارهای دادن حق رأی عمومی به‌طور قانونی
محدوده‌های انتخاباتی ^۴	تعداد، شکل و اندازه حوزه‌های انتخاباتی
بودجه یا تأمین مالی انتخاباتی ^۵	مقررات مربوط به چگونگی تأمین مالی احزاب سیاسی در انتخابات
نظام‌های انتخاباتی ^۶	تدوین قوانین مربوط به چگونگی تبدیل آرا به کرسی
اقدامات یا ابتکارات عمل رأی‌گیری و همه‌پرسی ^۷	شرایطی که در آن می‌تواند همه‌پرسی درباره یک موضوع سیاسی برگزار شود یا شهروندان می‌توانند یک نماینده انتخاب‌شده را عزل کنند.
عدالت انتخاباتی ^۸	حل‌وفصل مناقشات انتخاباتی

منبع: جیمز، ۲۰۱۸ (همراه با تغییرات)

همان‌گونه که داده‌های جدول شماره (۱) نشان می‌دهد، بحث حل‌وفصل مناقشات انتخاباتی، به‌عنوان بخشی از پژوهش‌های کلی (در حوزه انتخابات) در قالب مقوله «عدالت انتخاباتی» جای داده شده است. به‌نظر می‌رسد، این نوع مقوله‌بندی حوزه پژوهش حل‌وفصل مناقشات انتخاباتی، پس از انتشار اثر جیمز (۲۰۱۸)، در عرصه پژوهش‌های انتخاباتی پذیرفته شده است.

«نهاد بین‌المللی برای دموکراسی و همکاری انتخاباتی»^۹ واقع در استکهلم^{۱۰} سوئد، از جمله نهادهایی است که در حوزه انتخابات در سطح بین‌المللی فعالیت

1. T.S. James
2. Election Administration
3. Suffrage Legislation
4. Electoral Boundaries
5. Electoral Finance
6. Electoral Systems
7. Ballot Initiatives and Referenda
8. Electoral Justice
9. International Institute for Democracy and Electoral Assistance (IDEA)
10. Stockholm

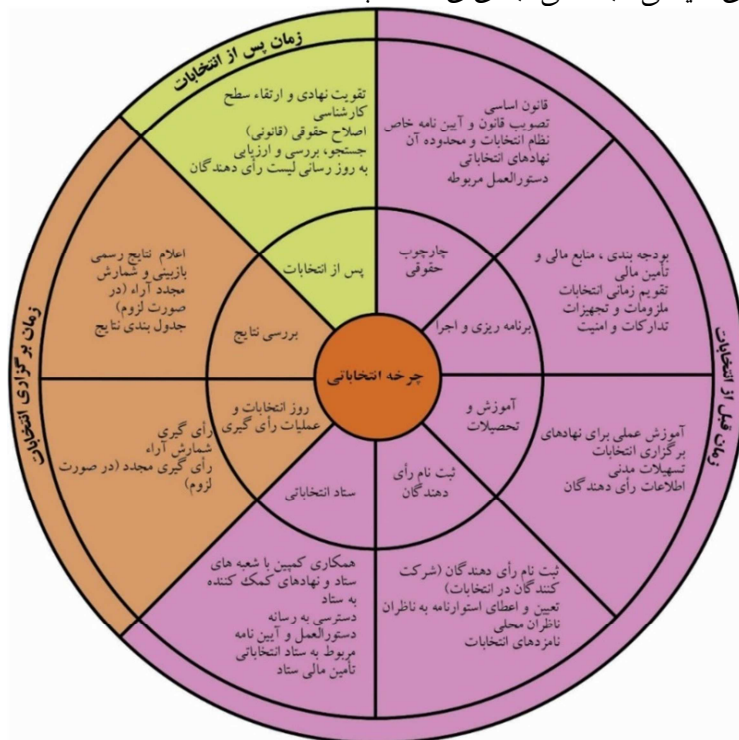
می‌کند. این نهاد در کتابچه راهنمای خود که در سال ۲۰۱۰ منتشر شده است، «عدالت انتخاباتی» را این‌گونه تعریف می‌کند: «به‌کارگیری ابزارها و سازوکارهای گوناگون برای تعیین هرگونه اقدام، رویه، و تصمیم مرتبط با فرایند انتخابات، همسو با قانون (قانون اساسی، سنت‌ها، مقررات، ابزارها، و میثاق‌های بین‌المللی و تمام تمهیداتی که در یک کشور در حال اجرا هستند). همچنین، عدالت انتخاباتی به سازوکارهایی اشاره دارد که هدفشان، حفظ یا بهبود بهره‌گیری از حقوق انتخاباتی است. این سازوکارها به افرادی که حقوق انتخاباتی آن‌ها نقض شده است، اطمینان می‌دهند که می‌توانند طرح شکایت کنند و از حق دادرسی و اعاده حق برخوردار شوند (آی‌دی‌ئی‌ای^۱، ۲۰۱۰: ۲۶). در این کتابچه، عدالت انتخاباتی به‌عنوان یک نظام، هم‌معنای نظام حل و فصل مناقشه انتخاباتی فرض شده است. براساس تعریف ارائه‌شده توسط این نهاد، نظام حل و فصل مناقشه انتخاباتی، چارچوب قانونی‌ای^۲ در درون نظام عدالت انتخاباتی^۳ است که ابزارها و سازوکارهایی را برای حل و فصل مناقشات انتخاباتی و محافظت از حقوق انتخاباتی (به‌عنوان گونه‌ای از حقوق سیاسی و در ذیل حقوق بشر) تعیین می‌کند (آی‌دی‌ئی‌ای، ۲۰۱۰: ۷-۵).

۴. سازوکارهای حل و فصل مناقشات پساانتخاباتی

همان‌گونه که اشاره شد، مناقشات انتخاباتی، در بسیاری از موارد، همزاد با انتخابات و به‌عنوان یک واقعیت (نه اغلب فراگیر) از فرایند انتخاباتی به‌شمار می‌آیند. چرخه انتخاباتی^۴، ابزاری است که توسط نهادهای غیردولتی ارائه‌دهنده خدمات بین‌المللی در زمینه انتخابات، به‌منظور نشان دادن ماهیت اجزای مختلف انتخابات طراحی شده است. انتخابات یا رویدادهای انتخاباتی، معمولاً فرایندهایی ادامه‌دار، بدون آغاز یا پایان ثابت هستند. در کلی‌ترین حالت، چرخه انتخابات به سه قسمت اصلی تقسیم می‌شود: بازه زمانی پیش از انتخابات، زمان انتخابات، و پس از انتخابات (شکل شماره ۱)؛ از این‌رو، فقدان یا وجود مناقشه انتخاباتی، به‌ویژه در مرحله پساانتخابات

-
1. IDEA
 2. Legal
 3. Electoral Justice System (EJS)
 4. Electoral Cycle

مربوط به اعلام نتایج)، برای تعیین مشروعیت انتخابات، حیاتی است و می‌تواند پیامدهای سیاسی-اجتماعی جدی‌ای داشته باشد.



منبع: فث‌لیهیک و برنکاتی^۱، ۲۰۱۸: ۶

آنچه پس از انجام انتخابات اهمیت دارد، تعیین سازوکارهای حل و فصل این مناقشات است. در اینجا، سازوکارهای حل و فصل مناقشات انتخاباتی به فعالیت‌های مرتبط با حل و فصل مناقشاتی گفته می‌شود که به‌طور طبیعی در دوره انتخابات (دور سوم از چرخه انتخاباتی) و پس از اعلام نتایج رخ می‌دهند؛ اگرچه براساس شواهدی از تاریخ این مناقشات، در برخی موارد ممکن است این فعالیت‌ها، ماه‌ها یا حتی سال‌ها طول بکشند.

مناقشات پس‌انتخاباتی ممکن است سبب ترس و واهمه رأی‌دهندگان آتی شوند؛ کسانی که ممکن است در مورد شرکت در انتخابات آینده تردید داشته باشند. همچنین،

می‌توانند بر میزان مشارکت رأی‌دهندگان^۱ در انتخابات بعدی تأثیرگذار باشند. بی‌تردید، چنین وضعیتی، تأثیرات نگران‌کننده‌ای بر فرایند دموکراسی‌سازی در کشورهای درحال‌گذار (به دموکراسی) خواهد داشت. براساس یک ارزیابی، مناقشات مرتبط با نتایج انتخابات (پساانتخاباتی) می‌توانند تأثیر زیادی بر افکار عمومی و پذیرش عمومی انتخابات، به‌عنوان ابزار دموکراتیک انتقال قدرت، داشته باشند. یافته‌های «پیمایش‌های نمودار آفریقا^۲» نشان می‌دهد که در کشورهایی که نتایج انتخابات، نقض شده و فاقد شفافیت بوده‌اند، نسبت به کشورهایی که انتخابات نسبتاً شفاف، آزادانه، و منصفانه یا بدون مناقشه جدی‌ای داشته‌اند، افراد تمایل بیشتری به دموکراسی‌خواهی نشان داده‌اند (بکوه^۳، ۲۰۱۲: ۵). افزون‌براین، مناقشات پساانتخاباتی می‌توانند نهاد رأی‌گیری حکومتی را تضعیف کنند و به‌این‌ترتیب، فرایند دموکراسی‌سازی در کشور را به‌مخاطره اندازند و در برخی موارد، سبب بالا‌گرفتن تنش و حتی جنگ داخلی و در نتیجه، موجب بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی شوند؛ بنابراین، آنچه در اینجا ضرورت دارد، حل و فصل مناقشات انتخاباتی است. به‌طورکلی، مراحل متفاوتی برای حل و فصل مناقشه وجود دارد که عبارتند از:

- بازدارندگی یا پیشگیری^۴ از مناقشه / منازعه؛
 - تلاش برای مهار^۵ مناقشه در صورت وقوع؛
 - مدیریت^۶ مناقشه؛
 - حل و فصل مناقشه^۷ به‌عنوان مرحله نهایی (خالد^۸، ۲۰۱۴: ۲۷).
- تحلیل نظری ادبیات تجربی مرتبط با مناقشات انتخاباتی، بیانگر وجود سه دسته سازوکار است که عبارتند از:
- سازوکارهای رسمی^۱ شامل سازوکارهای مبتنی بر قانون اساسی، سازوکارهای

1. Voter turnout
2. Afrobarometer Surveys
3. Bekoe
4. Prevent
5. Contain
6. Manage
7. Resolution of the Conflict
8. Khalid

قوه قضائیه و قوه مقننه یا ترکیبی از این‌ها؛

• سازوکارهای غیررسمی / جایگزین^۲ شامل روش‌های مذاکره، مصالحه/سازش، میانجیگری، و داوری که خود به دو دسته زیر تقسیم می‌شوند:

○ سازوکارهای غیررسمی داخلی شامل کمیته‌های مدیریت مناقشه در سطوح ملی و ناحیه‌ای، احزاب سیاسی، جامعه مدنی، سازمان‌های غیردولتی مانند سازمان‌های مذهبی، مراجع صلاحیت‌دار سنتی مانند رؤسای قبایل یا زعمای قومی یا شخصیت‌های برجسته ملی؛

○ سازوکارهای غیررسمی خارجی شامل سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل و سازمان‌های منطقه‌ای مانند اتحادیه اروپا و اتحادیه آفریقا، میانجیگری شخصیت‌های برجسته بین‌المللی مانند دبیرکل سازمان ملل یا سازمان‌های منطقه‌ای و نیز مقامات برجسته سیاسی کشورها

• دسته سوم، سازوکارهای ترکیبی^۳، یعنی ترکیبی از سازوکارهای رسمی و غیررسمی هستند.

در ادامه، به معرفی و بررسی کاربرد برخی از این سازوکارها در کشورهای مختلف خواهیم پرداخت.

۴-۱. سازوکارهای رسمی و انواع آن

نظام‌های رسمی حل و فصل مناقشات انتخاباتی، بر کاربرد سازوکارها یا روش‌هایی تأکید دارند که به گونه‌ای رسمی در نظام قضایی تعریف و تدارک دیده شده‌اند. به عبارت روشن‌تر، سازوکارهای رسمی، سازوکارهایی مانند دادگاه‌ها، نهادهای قضایی وابسته به قوه قضائیه، و محکمه‌ها^۴ هستند که در قانون اساسی مشخص شده‌اند. سازوکارهای یادشده که به صورت دولتی و رسمی و در چارچوب قانون عمل می‌کنند، سازوکارهای رسمی به شمار می‌آیند. همچنین، از دادرسی قضایی^۵ به عنوان یک سازوکار رسمی برای

1. Formal
2. Informal/ Alternative
3. Mixed
4. Tribunals
5. Litigation

حل و فصل مناقشات در قالب این نظام‌ها نام برده می‌شود. در برخی موارد، این سازوکارها در قانون اساسی وجود داشته و از پیش تعیین شده و تحت نظارت دولت هستند، یعنی کاملاً در چارچوب نهاد دولت و حکومت عمل می‌کنند؛ از این رو، از آن‌ها با عنوان نظام‌ها یا سازوکارهای حل و فصل سنتی و دولتی^۱ یاد می‌شود.

این سازوکارهای حل و فصل مناقشه، در مورد مناقشه (به‌طور کلی) و نه مناقشه بین طرفین بحث می‌کنند، یعنی ممکن است پس از حل آن موضوع، همچنان بین طرف‌های درگیر، دشمنی وجود داشته باشد. در دادرسی، هزینه‌های دادگاه، وکلا و سایر هزینه‌ها وجود دارد و همچنین، زمان دادرسی طولانی است (اشتو و گتو^۲، ۲۰۰۹: ۱۶).

در بحث حل و فصل مناقشات انتخاباتی — که بحث اصلی پژوهش حاضر است — به نهادها یا دستگاه‌های مدیریت انتخاباتی^۳، به‌عنوان سازوکارهای رسمی‌ای اشاره می‌شود که در چارچوب قانون عمل می‌کنند. کارویژه اصلی این نهادها، «پیشگیری، مدیریت، یا حل و فصل مناقشات انتخاباتی تعریف شده است که با عنوان دعوی قضایی یا دادرسی شناخته می‌شود» (دی‌آر‌آی^۴، ۲۰۱۳: ۹). درباره عملکرد این سازوکارها گفته می‌شود که اگر نهادهای مدیریت انتخاباتی — که در حوزه اداره و مدیریت انتخابات فعالیت می‌کنند — به گونه‌ای شفاف پاسخ‌گو نباشند، با چالش‌های بسیاری روبه‌رو می‌شوند و اعتماد عمومی به این فرایند کاهش می‌یابد (جینادو^۵، ۲۰۱۴: ۲۰). فلسفه وجودی این نهادها، حل و فصل مناقشات انتخاباتی به‌وسیله قانون اساسی است که چارچوب قانونی گسترده‌ای را برای همه ذی‌نفعان فراهم کرده است تا شکایت‌های انتخاباتی خود را ثبت کنند (بنیاد کارتر، ۲۰۱۸: ۳۴).

تحلیل نظری ادبیات تجربی مربوط به سازوکارهای حل و فصل مناقشات انتخاباتی، بیانگر وجود چهار نوع خرده‌نظام یا نظام فرعی در نظام رسمی در کشورهای درگیر در مناقشات انتخاباتی است. این نظام‌های فرعی براساس نوع

1. The State Resolution Systems/ Mechanisms
2. Eshetu and Getu
3. Electoral Management Bodies(EMBs)
4. DRI
5. Jinadu

سازوکارهای مورد استفاده در آنها به چهار دسته تقسیم شده‌اند:

- سازوکارهای نهادی مبتنی بر قانون اساسی؛
- نهادهای مرتبط با قوه قضائیه مانند محکمه‌های ویژه انتخاباتی؛
- سازوکارهای مبتنی بر قوه مقننه یا حوزه‌های حکومتی مانند پارلمان؛
- ترکیبی از سازوکارهای یادشده.

در ادامه به برخی از سازوکارهای قانونی-رسمی‌ای که کشورهای مختلف برای حل و فصل مناقشات انتخاباتی به کار می‌برند، اشاره می‌کنیم.

۱-۱-۴. محکمه‌ها/ دادگاه‌های ویژه انتخابات^۱

دادگاه ویژه انتخابات، یک سازوکار مرتبط با قوه قضائیه است که دادگاه تخصصی در امور انتخاباتی به‌شمار می‌آید. اختیارات این دادگاه، براساس نوع نظام یا رویکرد حل و فصل مناقشات انتخاباتی، در کشورهای گوناگون متفاوت است (آیدی‌ئی‌ای، ۲۰۱۰: ۳۹). در بعضی کشورها، محکمه‌های انتخاباتی ویژه‌ای برای رسیدگی به پرونده‌های ناشی از درگیری‌های انتخاباتی تعیین شده‌اند. محکمه‌ها دارای نهاد قانونی و مجوز حل مناقشات مربوط به انتخابات هستند. بیشتر محکمه‌ها توسط قضات و کارکنان قضائی اداره می‌شوند، اما این محکمه‌ها چارچوب مشخصی مانند دادگاه‌های عالی (دیوان عالی) ندارند و به‌شکل قوانین رویه‌ای تأسیس شده و قسمتی از قانون انتخابات هستند. محکمه‌ها در سطح ملی، استانی (منطقه‌ای)، و ناحیه‌ای^۲ تشکیل می‌شوند و بیشتر، کشورهای آمریکای لاتین و همچنین، آفریقای جنوبی از آنها بهره می‌برند. همچنین، محکمه‌ها به‌لحاظ موقعیت و درجه استقلال، با دادگاه متفاوت هستند، اما آنها باید وظایف مشابهی را انجام دهند (زدئی‌اس‌ان^۳، ۲۰۰۷: ۱۰). یکی از استفاده‌کنندگان از این سازوکار، کشور نیجریه است. نیجریه، کشوری در غرب آفریقا است که مناقشات انتخاباتی فراوانی را تجربه کرده است. در این کشور (مانند بسیاری از کشورهای آفریقایی)، سازوکارهای رسمی، مسئول حل و فصل مناقشات انتخاباتی هستند

1. Special Electoral Tribunals/Court
2. Local/District
3. ZESN

(اودوزیوبودو و بانکو^۱، ۲۰۱۷: ۷۲). یکی از سازوکارهای رسمی در نیجریه، دادگاه‌های انتخاباتی هستند. این دادگاه‌ها در انتخابات سال ۲۰۰۷، در رسیدگی به بیش از ۱۲۵۰ دادخواست پس‌انتخاباتی نقش داشتند. تعداد دادخواست‌ها در انتخابات عمومی سال ۲۰۱۱ به ۷۳۱ مورد کاهش پیدا کرده است که این امر، نشان‌دهنده کارایی نهادهای مدیریت انتخابات در حل و فصل مناقشات پس‌انتخاباتی است. به دلیل تأخیر دادگاه‌ها در حل و فصل مناقشات، قانون انتخابات ۲۰۱۰ نیجریه، یک دوره زمانی را (به‌عنوان مثال، دوره بیست و چهار روزه در دادگاه عالی) برای حل و فصل مناقشات تعیین کرد (جینادو^۲، ۲۰۱۴: ۱۵-۱۴). پس از مشخص شدن کارایی دادگاه‌ها و محکمه‌های انتخاباتی در حل و فصل مناقشات انتخاباتی ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱، قانون انتخابات نیجریه، زمینه‌ای را برای ایجاد یک دادگاه استیناف^(۵) انتخاباتی^۳ به منظور حل و فصل مناقشات انتخاباتی فراهم کرد. این دادگاه، توسط رئیس دادگاه تجدیدنظر^۴، در ۳۶ ایالت فدراسیون تشکیل شده است. درخواست‌های ارائه شده به دادگاه استیناف، در دادگاه تجدیدنظر^۵ یا در دادگاه عالی^۶ پایان می‌یابند، در حالی که درخواست‌های مربوط به انتخابات ریاست جمهوری، در دادگاه استیناف انتخابات ریاست جمهوری^۷ خاتمه پیدا می‌کنند.

پیشرفت‌های تدریجی در انتخابات ۲۰۱۱ نیجریه، از تغییر و تحول در نظام قضایی این کشور جدا نیست. در هر دو انتخابات (۲۰۰۷ و ۲۰۱۱)، دادگاه استیناف مداخله، و مناقشاتی را حل و فصل کرده است. همچنین، دادگاه استیناف توانسته است کارشکنی‌های حزبی مختلفی را که سبب بروز خشونت خیابانی در این کشور شده‌اند، حل و فصل کند. کاهش دادخواست‌ها از ۱۲۷۰ به ۵۰۰ مورد در سال ۲۰۱۱، نشانگر افزایش رعایت قانون و کارایی سازوکارهای رسمی در حل و فصل مناقشات انتخاباتی در این کشور ارزیابی شده است (آلوارز، ۲۰۰۱: ۲۴، ۵).

1. Odoziobodo and Banko
2. Jinadu
3. Election Petition Tribunal (EPT)
4. President of the Court of Appeal (PCA)
5. Court of Appeal (COA)
6. Supreme Court
7. Presidential Election Petition Tribunal (PEPT)

۲-۱-۴. دادگاه عالی^۱

دادگاه عالی، سازوکار رسمی دیگری برای حل و فصل مناقشات انتخاباتی است. در آفریقای جنوبی، دادگاه عالی، نهاد اصلی قضایی و سازوکار نهادی ایجادشده برای انتخابات است. دادگاه‌های دادگستری^۲، نقش مشابهی در سطح محلی دارند. در بعضی موارد، قانون این کشور، اجازه رسیدگی به درخواست‌های تجدیدنظر را به دیوان عالی کشور (یا دادگاه عالی) داده است درحالی‌که در کشورهای دیگر، به سبب رویه‌های گاه طولانی مدت رسیدگی به پرونده‌های تجدیدنظر و در نتیجه، احتمال به تأخیر افتادن برگزاری انتخابات، تشدید اختلافات، و بی‌ثباتی کشور، چنین امکانی فراهم نشده است (زدئی‌اسان، ۲۰۰۷: ۱۰). روسیه، از جمله کشورهای است که بر کاربرد سازوکارهای رسمی برای حل و فصل مناقشات تأکید دارد. دادگاه‌های عالی، کمیسیون مرکزی انتخابات^۳، دادگاه‌ها و کمیسیون منطقه‌ای انتخابات^۴، و دادگاه‌های محلی^۵، به عنوان سازوکارهای رسمی برای حل و فصل مناقشات انتخاباتی در این کشور، در نظر گرفته شده‌اند. در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۹، دادگاه‌ها و کمیسیون مرکزی و منطقه‌ای انتخابات، نهادهای پذیرفته شده برای طرح درخواست تجدیدنظر درباره مناقشات انتخاباتی بوده‌اند. همچنین، در این سال، دادگاه‌های عالی با رد نتایج انتخابات رسمی، نقش مهمی در مناقشه انتخاباتی داشتند. قوه قضائیه روسیه نیز به طور مرتب در روند برگزاری انتخابات مشارکت داشته است (پوپووا^۶، ۲۰۰۶: ۳۹۳).

۳-۱-۴. کمیسیون‌های انتخاباتی^۷

کمیسیون انتخاباتی، به عنوان یکی از نهادهای مدیریت انتخابات در بسیاری از کشورها، مسئولیت تضمین برگزاری و اجرای انتخابات آزاد و عادلانه را به عهده دارد. «این

1. The High Court
2. Magistrates
3. Central Election Commission (CEC)
4. District Election Commission (DEC)
5. Local Courts
6. Popova
7. Electoral Commissions

کمیسیون‌ها نقش مهمی، هم در اعتباربخشی و هم در فرایند و نتایج انتخابات، بازی می‌کنند. آن‌ها همچنین، مسئول هدایت مجموعه‌ای از وظایف مانند ثبت نام رأی‌دهنده هستند» (آگبهونو^۱، ۲۰۱۴: ۳۹-۴۰). پاستور، پنج گونه از کمیسیون‌های انتخاباتی را شناسایی کرده است که عبارتند از: (۱) دفتر انتخاباتی^۲ در درون حکومت؛ (۲) دفتر انتخاباتی در درون یک دپارتمان حکومتی، اما تحت نظارت یک نهاد قضایی؛ (۳) کمیسیون مستقل انتخاباتی مرکب از کارشناسان با مسئولیت مستقیم پارلمان؛ (۴) کمیسیون انتخاباتی چندجانبه^۳ مرکب از نمایندگان احزاب؛ (۵) کمیسیون انتخاباتی بی‌طرف، متشکل از افراد متمایز از فهرست پیشنهادی رئیس‌جمهور و قوه مقننه. به نظر پاستور، نبود کمیسیون‌های انتخاباتی مستقل می‌تواند سبب برگزاری «انتخابات مخدوش»^۴ شود، اما ایجاد کمیسیون‌ها نیز برای تضمین انتخابات موفق کافی نیست. همچنین، کمیسیون‌های انتخاباتی باید مستقل و دارای صلاحیت باشند (پاستور، ۱۹۹۹: ۱۸).

در پاکستان، وظیفه حل و فصل مناقشات انتخاباتی به‌عهده کمیسیون انتخاباتی پاکستان^۵ است؛ به‌عنوان نمونه، در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۳، روند انتخابات از طریق این سازوکار رسمی، برنامه‌ریزی و کنترل شد. دادگاه‌ها نیز سازوکار رسمی دیگری برای حل و فصل مناقشات در این کشور هستند. دادگاه‌هایی که به‌عنوان دادگاه‌های انتخاباتی از آن‌ها یاد می‌شود، در سال ۲۰۰۸ به‌عنوان سازوکاری برای حل و فصل مناقشات انتخاباتی در این کشور شکل گرفتند (دی‌آرای^۶، ۲۰۱۳: ۳-۱).

۲-۴. سازوکارهای غیررسمی/جایگزین و انواع آن

سازوکارهای حل و فصل جایگزین عبارتند از تمام سازوکارهای غیررسمی‌ای که برای حل و فصل مناقشات و شکایت‌ها به‌کار می‌روند. این سازوکارها به‌جای دادرسی دادگاه معرفی می‌شوند. به‌عبارت ساده‌تر، سازوکار حل و فصل جایگزین مناقشه، عبارت است

1. Agbehonou
2. Electoral Office
3. Multi- party
4. Flawed Elections
5. Election Commission of Pakistan(ECP)
6. DRI

از فرایند حل اختلاف ساختاری با مداخله طرف سوم که نتیجه الزام آور قانونی ای را بر طرفین اعمال نمی کند. براساس یک منبع داخلی، «مقصود از شیوه های جایگزین حل اختلاف، شیوه ها و راهکارهایی است که طرفین یک اختلاف به جای توسل به دادگاه های دادگستری برمی گزینند تا دعوی خود را به گونه ای که خود مناسب می دانند، فیصله دهند. این شیوه ها با همه تنوع و اقسامی که دارند، در یک امر، مشترک هستند و آن، ماهیت غیرقضایی و غیردولتی آنها است؛ وصف «جایگزین»، گویای همین ماهیت است» (توسلی جهرمی، ۱۳۸۱-۱۳۸۰: ۳۶۶). در پژوهش حاضر، واژه جایگزین به عنوان یکی از اجزای سازنده اصطلاح حل و فصل جایگزین مناقشه، به حل و فصل مناقشه به روشی غیر از دادرسی یا رفتن به دادگاه^۱ اشاره دارد.

سازوکارهای غیررسمی/جایگزین حل و فصل مناقشات انتخاباتی، دربردارنده دو دسته سازوکارهای مبتنی بر روش، مانند میانجی گری، مذاکره، و داوری، و سازوکارهای نهادی/ سازمانی، از جمله کمیته مدیریت مناقشه، جامعه مدنی، سازمان های غیردولتی داخلی، منطقه ای و بین المللی می شوند که در اینجا به معرفی مواردی از پرکاربردترین آنها در کشورهای مختلف می پردازیم.

کنیا، یکی از کشورهایی است که استفاده از سازوکارهای حل و فصل جایگزین مناقشه را در مورد مناقشات انتخاباتی، در دستورکار قرار داده است. این کشور، پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۷، دچار جنگ داخلی شد. با افزایش خشونت ها، جامعه بین المللی^۲ شروع به مداخله کرد؛ از این رو، تلاش های میانجی گرانه ای توسط گروه برجسته ای از شخصیت های آفریقایی^۳ به رهبری کوفی عنان^۴، دبیرکل وقت سازمان ملل متحد، انجام شد. نتیجه این تلاش های میانجی گرانه، تصویب قانون توافق ملی و قانون مصالحه ۲۰۰۸^۵، با هدف پیاده سازی و تصویب توافق مشترک تقسیم قدرت بین دو طرف مناقشه بود. براین اساس، از دیدگاه های ذی نفعان مختلف در بحران و سازمان های مدنی،

1. Go to Court/ Court
2. International Community
3. African Personality
4. Kofi Annan(1938-2018)
5. Enactment of the National Accord and Reconciliation Act 2008

از جمله گروه‌های حقوق‌بشری و دانشگاهیان، برای دستیابی به نقش میانجی‌گری، به‌عنوان سازوکاری برای حل و فصل دوستانه^۱ در نزاع‌های سیاسی استفاده شد (خالد و کولیه، ۲۰۰۸: ۱). پس از این اقدام میانجی‌گرانه، خشونت در کنیا طی تقریباً شش هفته کنترل، و منازعه تاحدی حل شد. به‌نظر می‌رسد، فرهنگ سیاسی صلح‌طلبانه و فشارهای بین‌المللی، تأثیر زیادی داشته است. با این حال، مشاجره بین رئیس‌جمهور کییاکی و رهبر مخالفان، اودینگا، تاحدی ادامه داشت. بدون تلاش‌های میانجی‌گرانه ماهرانه رئیس سازمان ملل متحد، کوفی عنان، و رئیس‌جمهور تانزانیا، جاکایا کیکوته^۲، احتمال توافق سیاسی و پایان نزاع‌ها در این مدت زمانی، امکان‌پذیر نبود (خالد و کولیه، ۲۰۰۹: ۹).

دو کشور غنا و آفریقای جنوبی، در راستای افزایش اثربخشی قضاوت در مورد مناقشات انتخاباتی، تصمیم گرفتند از سازوکارهای حل و فصل جایگزین برای تکمیل یا حمایت از روش‌های متعارف یا رسمی استفاده کنند. در سال ۱۹۹۹ در آفریقای جنوبی به ابتکار کمیسیون مستقل انتخابات—یک برنامه مدیریت منازعه و یک سازوکار حل و فصل جایگزین مناقشه تأسیس شد. این برنامه در کاهش تعداد چالش‌های پیش‌روی دادگاه‌ها مؤثر بوده و موجب شده است که مناقشات انتخاباتی کاهش یابد؛ به‌گونه‌ای که از ۱۱۱۳ مورد مناقشه در انتخابات سال ۱۹۹۹، به ۳۱۴ مورد در انتخابات سال ۲۰۰۰، و ۲۵۳ مورد در سال ۲۰۰۴ رسیده است (جینادو، ۲۰۱۴: ۱۵).

کشور زامبیا نیز بروز مناقشات در انتخابات سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ را پیش‌بینی کرد. در سال ۲۰۰۱، کمیسیون انتخاباتی زامبیا با انتخابات ریاست‌جمهوری و پارلمانی مسئله‌داری روبه‌رو شد. کمیسیون، به سازوکار جدیدی برای جلوگیری از منازعه و فراهم کردن راه برون‌رفت از درگیری‌ها نیاز داشت؛ از این‌رو، استفاده از نظامی شبیه آفریقای جنوبی در سال ۱۹۹۹ مورد توجه قرار گرفت. بر این اساس، رهبران کمیسیون، کمیته مدیریت منازعه^۳ را در دو سطح ملی و منطقه‌ای ایجاد کردند. این کمیته، در بردارنده نمایندگان از احزاب سیاسی، جامعه مدنی، و سازمان‌های مذهبی بود. نظام میانجی‌گری، به این کشور در کنترل مناقشات طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ کمک کرد.

1. Amicable Resolution
2. Jakaya Kikowete
3. Conflict Management Committees (CMC)

این کمیته که در طول انتخابات سال ۲۰۰۱ تشکیل شد، سازوکاری با کارویژه میانجی‌گرانه و غیرنهادی بود که پیش‌از آن وجود نداشت.

درواقع، کمیسیون انتخابات زامبیا در طول انتخابات ۲۰۰۱ مشکلات زیادی را پیش‌بینی کرد و با شروع انتخابات در این سال به سازوکار جدیدی برای حل و فصل مناقشات نیاز داشت تا به گونه‌ای مؤثر، مانع بروز درگیری پیش از، در طول، و پس از انتخابات شود. اگر کمیته‌های منطقه‌ای قادر به رسیدگی به مناقشات نباشند، یا اگر درگیری در سطح افراد بالا باشد، این مسئله به کمیته ملی ارجاع داده می‌شود. هنگامی که یک کمیته، شکایت رسمی‌ای را دریافت می‌کند، موظف به تشکیل یک جلسه میانجی‌گری طی بیست و چهار ساعت با هدف تلاش برای حل و فصل قابل‌قبولی برای دو طرف است، یا اینکه باید دو طرف را به پذیرفتن یک قطعنامه هدایت کند. شواهد موجود نشان می‌دهد، این کمیته طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ موفق بوده است (جکسون^۱، ۲۰۱۳: ۵-۱).

همچنین، گفته می‌شود که کمیسیون انتخابات فدرال آمریکا، کنگره، و حتی برخی ایالت‌ها، راه‌های جدیدی را برای حل و فصل مناقشات حقوقی انتخابات ایجاد کرده‌اند که شامل اقدام قضایی نیست. هدف پشت پرده این اصلاحات، افزایش اعتماد عمومی مردم آمریکا در فرایند انتخابات است که یکی از دغدغه‌های اصلی قانون‌گذاران این کشور به‌شمار می‌آید. در سال ۲۰۰۰، کمیسیون انتخابات فدرال، نظام حل و فصل جایگزین مناقشه را برای افزایش هماهنگی با قانون انتخابات فدرال ایجاد کرد. این برنامه به‌طور ویژه، برای کاهش هزینه‌ها، حل و فصل شکایت‌های دولتی، و ارجاعات سریع‌تر و رسیدگی به پرونده‌ها در راستای حل و فصل رضایت‌بخش متقابل ایجاد شده است؛ هرچند کمیسیون انتخابات فدرال، این برنامه را تنها برای حل و فصل مناقشات افشای مالی کمپین فدرال ایجاد کرده و به همه مناقشات مرتبط با قانون انتخابات نمی‌پردازد (بسرا^۲، ۲۰۱۸: ۱۲۶). در جدول‌های شماره (۲، ۳ و ۴) به ترتیب، تفاوت‌های سازوکارهای رسمی و غیررسمی و کاربرد آن‌ها در کشورهای مختلف ارائه شده است.

1. Jackson
2. Becerra

جدول شماره (۲). مقایسه سازوکارهای رسمی و غیررسمی حل و فصل مناقشات انتخاباتی

سازوکار موارد مقایسه	رسمی	غیررسمی/جایگزین
ویژگی‌های کلی (منشأ) شکل‌گیری، زمان شکل‌گیری، ویژگی سازمانی)	رسمی-دولتی؛ اغلب از پیش موجود (تدارک دیده شده در قانون اساسی)؛ نهادمحور؛ داخلی؛ ریشه در مقررات و قوانین کشورها.	غیررسمی و کمتر سازمان‌یافته؛ غیردولتی (مستقل از دولت)؛ اغلب بدون پیشینه؛ ایجاد شده در طول مناقشات انتخاباتی (در برخی موارد)؛ جایگزین و مکمل سازوکارهای رسمی؛ شکل گرفته در داخل یا برآمده از خارج؛ ریشه در سنت‌ها و فرهنگ کشورها.
مزایا	الزام طرفین به امضای توافقنامه و تعهد به ماندن در فرایند رسیدگی به مناقشات؛ حفظ و حمایت از یکپارچگی قوانین رسمی.	کم‌هزینه بودن فرایند رسیدگی به شکایت‌ها؛ سریع‌تر بودن زمان رسیدگی به شکایت‌ها؛ امکان دسترسی بیشتر به عدالت برای گروه‌های محروم؛ بهبود گفت‌وگو مدنی انتخابات و ارتقای فرهنگ سیاسی؛ خصوصی بودن جلسه‌های رسیدگی و در نتیجه، حفظ اطلاعات محرمانه طرفین مناقشه؛ تأکید بر شرایط بردیبرد در رسیدگی به شکایت‌های انتخاباتی؛ الزام طرفین به برقراری ارتباط حتی پس از حل مناقشه.
معایب	زمان‌بر بودن رسیدگی به شکایت‌های انتخاباتی؛ هزینه‌بر بودن فرایند دادرسی؛ عمومی بودن جلسه‌های دادرسی؛ اجباری بودن تصمیم‌های دادگاه برای طرفین مناقشه؛ عدم دسترسی همگان به سازوکارهای رسمی حل و فصل مناقشات؛ اغلب، ناعادلانه بودن تصمیم‌های اتخاذ شده از طریق سازوکارهای رسمی‌ای مانند دادگاه‌ها؛ عدم تخصص کافی قضات رسیدگی به شکایت‌ها؛ عدم استقلال از نهادهای رسمی قدرت و تأکید بر شرایط بردیباخت در رسیدگی به شکایت‌های انتخاباتی.	امکان خروج هریک از طرفین طی روند دادرسی؛ عدم تخصص قانونی یک میانجی‌گر، داور، و مصالحه‌گر؛ ایجاد نشدن پیشینه یا استانداردهای عمومی یا ملی ناشی از رسیدگی به یک مناقشه؛ احتمال تضعیف ساختارهای قضایی، رسمی / قانونی؛ ناتوانی در اصلاح بی‌عدالتی نظام‌مند، تبعیض یا نقض حقوق بشر ناشی از نبود سازوکارهایی برای طرف خطاکار.
فراگیری روش	سازوکار مسلط در بسیاری از کشورها؛ به‌عنوان نمونه، در بسیاری از کشورهای آفریقایی، قوه قضائیه نقش اصلی را در حل و فصل مناقشات انتخاباتی به‌عده دارد.	به‌دلیل نارضایتی از عملکرد نظام‌های رسمی حل و فصل مناقشات انتخاباتی، استفاده از سازوکار غیررسمی در کشورهای مختلف در حال افزایش است. ایالات متحده آمریکا و قاره آفریقا، از جمله مواردی هستند که استفاده از این سازوکارها را در دستورکار خود قرار داده‌اند.
کارویژه‌ها	بررسی و مدیریت مناقشه که لزوماً سبب حل و فصل نمی‌شود.	میانجی‌گری؛ گفت‌وگو و مذاکره؛ مصالحه/سازش؛ داوری.

منبع: یافته‌های پژوهش حاضر

جدول شماره (۳). به کارگیری نظام و سازوکارهای رسمی حل و فصل مناقشات انتخاباتی در کشورهای مختلف

کشور	سازوکار رسمی رایج برای حل و فصل مناقشات انتخاباتی	موقعیت انتخاباتی
نیجریه	دادگاه/محکمه انتخاباتی یا دادگاه استیناف انتخاباتی	انتخابات ریاست جمهوری سال های ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱
اوگاندا	دادگاه عالی	
آفریقای جنوبی	دادگاه انتخاباتی؛ محکمه تجدیدنظر قضایی	انتخابات ۱۹۹۹
موزامبیک	دادگاه یا شورای قانون اساسی	
زامبیا	کمیسیون انتخاباتی؛ دادگاه عالی	انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری سال ۲۰۰۱
نامیبیا	دادگاه عالی	
زیمبابوه	دادگاه ویژه انتخاباتی	
تانزانیا	دادگاه عالی؛ دادگاه دادگستری	
اکثر کشورهای آمریکای لاتین	محکمه/ دادگاه انتخاباتی	
پاناما	دادگاه انتخاباتی	
اوروگوئه	دادگاه انتخاباتی	
برزیل	دادگاه های انتخاباتی منطقه ای؛ دادگاه عالی انتخابات	
مکزیک	دادگاه یا محکمه انتخاباتی؛ دادگاه عالی فدرال	
پاکستان	کمیسیون انتخاباتی؛ دادگاه های انتخاباتی	انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۳
افغانستان	کمیسیون شکایت های انتخاباتی	انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹
فیلیپین	دادگاه عالی	
تایلند	کمیسیون انتخاباتی ایجاد شده براساس قانون اساسی	
هند	دادگاه عالی	
کره جنوبی	دادگاه عالی	
کامبوج	دادگاه قانون اساسی	
مقدونیه	کمیسیون انتخاباتی	
روسیه	دادگاه عالی، کمیسیون مرکزی انتخابات؛ دادگاه ها و کمیسیون منطقه ای انتخابات، دادگاه های محلی	انتخابات پارلمانی ۱۹۹۹
اوکراین	دادگاه عالی	
گرجستان	دادگاه عالی	
قرقیزستان	دادگاه عالی	
کانادا	دادگاه عالی	
انگلیس	دادگاه عالی	

منبع: یافته های پژوهش حاضر

همان گونه که داده های جدول شماره (۳) نشان می دهد، از میان سازوکارهای در دسترس برای حل و فصل مناقشات انتخاباتی، تقریباً در تمام کشورهای آفریقایی، قوه قضائیه نقش اول را به عهده دارد؛ به عنوان مثال، در کشورهایی مانند نیجریه و نامیبیا، دادخواست های انتخاباتی، ابتدا در دادگاه سفلی بررسی و در نهایت، در دادگاه عالی تجدیدنظر می شود. در کشورهایی مانند غنا، زامبیا، و اوگاندا دادخواست های انتخاباتی مربوط به ریاست جمهوری، به طور مستقیم، توسط دادگاه عالی بررسی می شوند و فرصت

تجدیدنظر ندارند (کابا^۱، ۲۰۱۵: ۸۳، ۸۵). با این حال، به نظر می‌رسد، تدابیر نهادی/رسمی برای رسیدگی به مناقشات انتخاباتی، بین کشورها متفاوت باشد. براساس یافته‌های یک پژوهش، مقایسه کشورهای مختلف حاکی از این است که رسیدگی به شکایت‌های انتخاباتی با اصول قانون مرتبط است. این امر در کشورهایی که از سطح بالای آموزش‌های رسمی و سواد آموزشی برخوردارند، و پیشینه نسبتاً طولانی‌ای در تفکیک قوه قضائیه، قوه مقننه، و قوه مجریه دارند، نسبتاً راحت‌تر است. اثربخشی نظام قضایی، به‌عنوان نظام تنظیم مقررات در امور مدنی و جنایی، به این مسئله متکی است که هر شهروندی بدون ترس بتواند به آن دسترسی داشته باشد. به‌لحاظ تاریخی، بهترین روند رسیدگی به شکایت‌های انتخاباتی در دموکراسی‌های کامل، مانند کشورهای اروپای غربی، آمریکای شمالی، استرالیا، و نیوزیلند، و در برخی دموکراسی‌های پایدار مانند برزیل، هند، مکزیک، و بخشی از اروپای شرقی، و نیز برخی کشورهای آفریقایی از جمله آفریقای جنوبی، موریس، و بوتسوانا اتفاق می‌افتد (کوویک^۲ و همکاران، ۲۰۱۱: ۲۳۱).

جدول شماره (۴). به‌کارگیری نظام و سازوکارهای غیررسمی/ جایگزین حل‌وفصل مناقشات در کشورهای مختلف

کشور	سازوکار به‌کارگرفته‌شده	موقعیت انتخاباتی
ایالات متحده آمریکا	کمیسیون انتخابات فدرال با کاروبژه میانجی‌گری و داوری	انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۰۰
آفریقای جنوبی	نشست‌های مدیریت مناقشه؛ کمیته مدیریت مناقشه؛ برنامه مدیریت مناقشه	انتخابات ۱۹۹۹، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۴
لسوتو	نشست‌های مدیریت مناقشه؛ کمیته مدیریت مناقشه	
بروندی	نشست‌های مدیریت مناقشه؛ کمیته مدیریت مناقشه	
سومالی	نشست‌های مدیریت مناقشه؛ کمیته مدیریت مناقشه	
کنگو	نشست‌های مدیریت مناقشه؛ کمیته مدیریت مناقشه	
نیجریه	برنامه مدیریت مناقشه به ابتکار کمیسیون مستقل انتخابات	انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۱
زامبیا	کمیته مدیریت مناقشه در سطح ملی و منطقه‌ای دربردارنده نمایندگان از احزاب سیاسی، جامعه مدنی، و سازمان‌های مذهبی با کاروبژه میانجی‌گری	انتخابات ۲۰۰۱ و ۲۰۱۱
کنیا	سازوکار میانجی‌گری مبتنی بر نقش سازمان‌های منطقه‌ای و شخصیت‌های برجسته سیاسی	انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۰۷
پاکستان	کمیته بین‌المللی پاکستان براساس تعهد پاکستان به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی	

منبع: پژوهش حاضر

1. Kaaba
2. Kovick
3. International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR)

ادبیات تجربی موجود درباره زمینه‌های محیطی مناسب برای مراجعه به سازوکارهای حل و فصل مناقشه جایگزین در مناقشات انتخاباتی، حاکی از این است که این روش‌ها بیشتر در جوامع در حال گذار به کار می‌روند که ممکن است مشروعیت نهادهای رسمی در آن‌ها محل بحث باشد. ادبیات مرتبط با سازوکارهای حل و فصل مناقشه نشان می‌دهد، شکل‌های مختلفی از نظام‌های حل مناقشه در رویه‌های قضایی در سرتاسر جهان استفاده می‌شوند، اما استفاده از شیوه‌های حل و فصل جایگزین، به‌عنوان سازوکاری برای حل مناقشات انتخاباتی، به‌لحاظ تاریخی، رویکردی است که بیشتر کشورهای جنوب صحرائی آفریقا داشته‌اند. نمونه‌هایی از تجربه آفریقا در استفاده از حل و فصل جایگزین مناقشه نشان می‌دهد که استفاده از چنین نظام‌هایی می‌تواند در شرایط گذار یا پس از دوران جنگ و در واقع، در شرایط خطر یا وضعیت‌هایی که امکان بروز خشونت وجود دارد، مناسب باشند. در واقع، حل و فصل جایگزین، سازوکاری مستقل یا قائم‌به‌ذات^۱ نیست، بلکه مکمل سازوکارهای دیگر حل و فصل منازعات است. مشکل است که بتوان سازوکار حل و فصل مناقشه جایگزینی پیدا کرد که هم نخبگان سیاسی سطح بالا از آن استفاده کنند و هم مورد استفاده سطوح مردمی باشد (کویک و همکاران، ۲۰۱۱: ۲۵۰).

۳-۴. سازوکارهای ترکیبی

همان‌گونه که داده‌های جدول شماره (۵) نشان می‌دهد، در کنار نظام مبتنی بر سازوکارهای رسمی و غیررسمی / جایگزین، برخی کشورها برای حل و فصل مناقشات انتخاباتی از نظام ترکیبی بهره می‌گیرند که در آن، از سازوکارهای رسمی و جایگزین استفاده می‌شود.

جدول شماره (۵). به‌کارگیری نظام و سازوکارهای ترکیبی حل و فصل مناقشات انتخاباتی در کشورهای مختلف

کشور	سازوکار ترکیبی به‌کارگرفته‌شده در کشورهای مختلف	موقعیت انتخاباتی
آفریقای جنوبی	ترکیبی از سازوکار رسمی دادگاه‌های انتخاباتی و سازوکار غیررسمی کمیته همکاری چندجانبه	انتخابات ۱۹۹۹
پاکستان	ترکیبی از سازوکارهای رسمی دادگاه عالی، دادگاه‌های انتخاباتی، کمیسیون انتخاباتی و سازوکار غیررسمی کمیته بین‌المللی پاکستان	انتخابات پارلمانی ۲۰۱۳
نیجریه	ترکیبی از سازوکارهای رسمی محکمه یا دادگاه‌های انتخاباتی و سازوکار غیررسمی برنامه مدیریت مناقشه به ابتکار کمیسیون مستقل انتخابات	انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۱

منبع: یافته‌های پژوهش حاضر

براساس داده‌های جدول شماره (۵)، پاکستان، در همسایگی ایران، از جمله کشورهای است که در کنار سازوکارهای رسمی دادگاه عالی، دادگاه‌های انتخاباتی، و کمیسیون انتخاباتی، از سازوکارهای غیررسمی، مانند کمیته بین‌المللی پاکستان برای حل و فصل مناقشات انتخاباتی کمک می‌گیرد. این کمیته که در قالب تعهد پاکستان به «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» ایجاد شده است، وابسته به اتحادیه اروپا است. پاکستان با عضویت در این نهاد، تعهداتی را در زمینه فرایندهای انتخاباتی پذیرفته است.

۵. سازوکارهای حل و فصل مناقشات انتخاباتی در ایران

در ایران، کشوری که می‌توان گفت یکی از طولانی‌ترین مناقشات پس‌انتخاباتی را پس از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸ تجربه کرده است، نظام و سازوکارهای رسمی در حل و فصل مناقشات انتخاباتی غالب بوده و هیچ سازوکار غیررسمی / جایگزینی به رسمیت شناخته نشده است. در این کشور، تصمیم‌گیری در مورد چگونگی اجرا، نظارت و مدیریت انتخابات در پنج سطح انجام می‌شود: در سطح سیاست‌گذاری کلان توسط مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ در سطح قانون‌گذاری توسط مجلس شورای اسلامی؛ در سطح اجرا توسط وزارت کشور و هیئت‌های اجرایی؛ در سطح نظارت توسط شورای نگهبان و هیئت‌های نظارت؛ در سطح داوری و حل و فصل اختلافات توسط دادگاه‌ها یا قوه قضائیه؛ یا در قالب احکام حکومتی توسط مقام رهبری (قیصری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸-۱۹). برای حل و فصل مناقشات انتخاباتی احتمالی، براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شورای نگهبان نخستین سازوکار رسمی‌ای است که ایفای نقش می‌کند. دو سازوکار رسمی دیگر، یعنی رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام، به تناسب موقعیت و مناقشه انتخاباتی فعال می‌شوند.

براساس قانون انتخابات ریاست‌جمهوری، فصل اول ماده هشت، نظارت بر انتخابات ریاست‌جمهوری، به‌عهده شورای نگهبان است. «این نظارت، عام و در تمام مراحل و در کلیه امور مربوط به انتخابات، جاری است» (سایت شورای نگهبان، ۱۳۹۱: ۱). براساس ماده دوم قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست‌جمهوری ایران،

شورای نگهبان پیش از شروع انتخابات، دو نفر از اعضای خود و پنج نفر از افراد مسلمان و آگاه و مورداعتماد دارای حسن سابقه را با اکثریت مطلق آرای اعضای شورای نگهبان به‌عنوان هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات ریاست‌جمهوری و سه نفر را به‌عنوان عضو علی‌البدل انتخاب و به وزارت کشور معرفی می‌کند و طبق ماده سوم، شورای نگهبان می‌تواند محل کار هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات را در وزارت کشور قرار دهد (سایت شورای نگهبان، ۱۳۹۱: ۱). طبق ماده چهارم، هیئت مرکزی نظارت، بر تمام مراحل انتخابات و جریان‌های انتخاباتی و اقدامات وزارت کشور و هیئت‌های اجرایی که در انتخابات مؤثر هستند و آنچه به صحت انتخابات مربوط می‌شود، نظارت خواهد کرد (سایت شورای نگهبان، ۱۳۹۱: ۱). طبق ماده پنجم، هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات باید برای هر شهرستان، ناظر یا ناظرانی با شرایط مذکور در ماده دو، جهت نظارت بر انتخابات تعیین کند. همچنین، براساس تبصره: شورای نگهبان در هر مورد که لازم بداند، می‌تواند تمام یا برخی از ناظران را مستقیماً انتخاب کند (سایت شورای نگهبان: ۱۳۹۱، ۱). طبق ماده ششم، هیئت مرکزی نظارت یا ناظران که در سراسر کشور بر کیفیت انتخابات نظارت کامل دارند، در هر مورد که سوء جریان یا تخلفی را مشاهده کنند، کتباً تذکر خواهند داد. فرمانداران و بخشداران موظفند، بلافاصله براساس قوانین مربوطه، نسبت به رفع اشکالات مطرح‌شده اقدام کنند و چنانچه مسئولان وزارت کشور، نظرات آنان را ملحوظ ندارند، ناظران مراتب را به هیئت مرکزی نظارت شورای نگهبان گزارش خواهند کرد (سایت شورای نگهبان، ۱۳۹۱: ۱).

طبق ماده هفتم، شورای نگهبان در کلیه مراحل، در صورت اثبات تخلف با ذکر دلیل، نسبت به ابطال یا توقف انتخابات در سراسر کشور یا بعضی از مناطق، اتخاذ تصمیم نموده و نظر خود را از طریق رسانه‌های همگانی اعلام می‌کند و نظر شورای نگهبان در این مورد، قطعی و لازم‌الاجرا است و هیچ مرجع دیگری حق ابطال یا متوقف کردن انتخابات را ندارد و همچنین، براساس تبصره: هیئت مرکزی نظارت باید مدارک حاکی از عدم صحت یا لزوم متوقف کردن انتخابات را بررسی و برای اتخاذ تصمیم، به شورای نگهبان بفرستد. طبق ماده هشتم، پس از صدور دستور شروع انتخابات از طرف وزارت کشور، چنانچه شورای نگهبان در کیفیت انجام مقدمات انتخابات از قبیل تعیین هیئت اجرایی، نحوه تبلیغات، و مانند آن، تخلفاتی

مشاهده کند که به صحت انتخابات خدشه وارد سازد، انتخابات را متوقف و مراتب را به وزارت کشور اعلام می‌دارد (سایت شورای نگهبان، ۱۳۹۱: ۱)؛ از این رو، وزارت کشور، تمام فعالیت‌های مربوط به انتخابات را با نظارت شورای نگهبان، اداره می‌کند. در اصل، وزارت کشور، به‌عنوان دستیار اجرایی، تحت فرمان شورای نگهبان عمل می‌کند (عالم^۱، ۲۰۱۱: ۲۵).

همچنین، براساس فصل هفتم قانون انتخابات ایران (ماده هفتاد و هشت) اعلام نتایج رسیدگی به شکایات انتخابات ریاست‌جمهوری از طریق رسانه‌های گروهی، از اختیارات شورای نگهبان است. براساس ماده هفتاد و نه، شورای نگهبان، ظرف یک هفته و در صورت ضرورت، حداکثر ده روز پس از دریافت نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری، نظر قطعی خود را در مورد انتخابات انجام‌شده، به وزارت کشور اعلام و وزارت کشور نتیجه نهایی را از طریق رسانه‌های گروهی به اطلاع مردم خواهد رساند. براساس ماده هشتاد، هیئت‌های اجرایی موظفند، از تاریخ اعلام نهایی صلاحیت داوطلبان تا دو روز پس از اعلام نتیجه اخذ رأی انتخابات، شکایت‌های رسیده را بپذیرند و ظرف ۲۴ ساعت، در جلسه مشترک هیئت اجرایی و ناظران شورای نگهبان در شهرستان مربوطه، به آن‌ها رسیدگی کنند و نتیجه را صورت جلسه کرده و به وزارت کشور اعلام کنند (سایت شورای نگهبان، ۱۳۹۱: ۱).

براساس ماده هشتاد و یک، شکایت‌هایی که در جریان انتخابات به هیئت اجرایی تسلیم می‌شود، مانع ادامه کار انتخابات نبوده و در موعد رسیدگی به شکایات، بررسی خواهند شد. طبق ماده هشتاد و دو، هیئت اجرایی، پس از بررسی شکایات و گزارشات، چنانچه تشخیص دهد که امور انتخابات در یک یا چند شعبه از جریان عادی خارج شده و صحیح انجام نگرفته است، با تأیید شورای نگهبان، انتخابات یک یا چند شعبه مزبور را باطل اعلام می‌کند. طبق ماده هشتاد و سه، وزیر کشور، پس از دریافت اعتبارنامه از شورای نگهبان، رئیس‌جمهور منتخب را به حضور رهبری یا شورای رهبری معرفی می‌کند (سایت شورای نگهبان، ۱۳۹۱: ۱).

افزون بر سازوکار نهادی رسمی شورای نگهبان، رهبری و مجمع تشخیص

مصلحت نظام، دو سازوکار رسمی‌ای هستند که به تناسب موقعیت مناقشه انتخاباتی ممکن است در حل و فصل مناقشه، ایفای نقش کنند. ورود رهبری به رویدادهای انتخاباتی در گستره ملی (مانند رئیس‌جمهور) را می‌توان براساس اصل یکصدودهم قانون اساسی تبیین کرد.

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، تصمیم‌گیری درباره چگونگی اجرا، نظارت، و مدیریت انتخابات در نظام جمهوری اسلامی، در پنج سطح انجام می‌شود که نخستین سطح آن، یعنی سیاست‌گذاری کلان، مربوط به رهبری است. براساس اصل یکصدودهم قانون اساسی، «تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام (بند ۱)، نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام (بند ۲)، نصب و عزل و قبول استعفای: الف) فقهای شورای نگهبان [به‌عنوان نهاد نظارت بر انتخابات] (بند ۶)، و حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام (بند ۸) و امضای حکم ریاست‌جمهوری پس از انتخاب مردم، از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید، باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان و در دوره اول به تأیید رهبری برسد (بند ۹)»، بخشی از وظایف و اختیاراتی (مرتبط با انتخابات) هستند که برای رهبری تعیین شده‌اند. به‌نظر نویسندگان پژوهش حاضر، این بخش از وظایف می‌تواند ورود رهبری به رویدادهای انتخاباتی (در سه بازه زمانی پیش، هنگام و پس از انتخابات)، به‌ویژه انتخابات ریاست‌جمهوری، را تبیین کنند (قانون اساسی مصوب سال ۱۳۶۸، اصل یکصدودهم).

سازوکار نهادی / رسمی دیگری که می‌تواند در حل و فصل مناقشات انتخاباتی در ایران فعال شود، مجمع تشخیص مصلحت نظام است. ورود این نهاد به فرایند حل و فصل مناقشات انتخاباتی را می‌توان براساس بند ۸ اصل یکصدودهم قانون اساسی تبیین کرد. داده‌های رویدادی مناقشه انتخاباتی سال ۱۳۸۸ نشان می‌دهد، در نشستی که نمایندگان معترض به نتایج این انتخابات در ۲۶ خرداد ۱۳۸۸ با رهبر جمهوری اسلامی ایران داشته‌اند، یکی از سازوکارهای پیشنهادی خود را با استناد به این بند طرح کرده‌اند که موردپذیرش رهبری قرار نگرفت. در این نشست، الویری، نماینده کروبی، خطاب به رهبری با این استدلال که «با توجه به شبهه‌های

مطرح شده، شورای نگهبان نمی‌تواند مرجع رسیدگی به شکایت‌ها قرار گیرد، چون هفت نفر از اعضای آن، به‌صراحت از یکی از نامزدها حمایت کرده‌اند و موضع‌گیری خاصی دارند»، پیشنهاد استفاده از سازوکار مجمع تشخیص مصلحت نظام را مطرح می‌کند (الویری، ۱۳۸۸ به نقل از: غفاری، ۱۳۹۷: ۲۱-۱۸).

براساس بند هشتم اصل یکصدودهم قانون اساسی، ذیل وظایف و اختیارات رهبر، رهبر می‌تواند معضلات نظام را که از طرق عادی قابل حل نیستند، به مجمع تشخیص مصلحت نظام [به‌عنوان بازوی مشورتی رهبر] ارجاع دهد (قانون اساسی، اصل یکصدودهم).

می‌توان گفت، ورود جدی هاشمی رفسنجانی، در نقش رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، که در خطبه نماز جمعه ۲۶ تیرماه ۱۳۸۸ نمایان شد، براساس همین بند (بند ۸) قابل توضیح است. هاشمی در این خطبه، که در فضای آشوبناک پس از اعلام نتایج انتخابات ایراد شد، پیشنهادهای خود را برای حل مناقشه انتخاباتی این‌گونه بیان می‌کند: «چند تا پیشنهاد به ذهن من می‌رسد که البته این پیشنهادها را با جمعی از خبرگان و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام که به فکرشان من اعتماد دارم، مطرح کردم و به اینجا رسیدیم و من این‌ها را عرض می‌کنم به‌عنوان راه‌حل، شاید هم دیگران هم بپذیرند و عمل کنند...» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۸: ۱)؛ پیشنهادهایی که معترضان به نتایج و نیز برخی نخبگان سیاسی از آن استقبال کردند؛ به‌عنوان نمونه، محمد خاتمی، رئیس‌جمهور پیشین، استفاده از سازوکار مجمع تشخیص مصلحت نظام را از «حداقل‌هایی» دانست که به‌نظر وی می‌توانست اعتماد از دست‌رفته را برگرداند (خاتمی، ۱۳۸۸: ۱).

همان‌گونه که مطرح شد، در حل و فصل مناقشات انتخاباتی احتمالی در ایران، مسئول رسیدگی به مناقشات انتخاباتی، نهادی است که هم‌زمان وظیفه نظارت بر انتخابات را نیز عهده‌دار است. این درحالی است که عملکرد این نهاد از سوی کاندیداهای بازنده در مناقشه انتخاباتی سال ۱۳۸۸، با این استدلال که این نهاد اصل بی‌طرفی را رعایت نکرده است، زیر سؤال رفت. هر سه کاندیدا، به‌ویژه موسوی و کروبی، ارجاع به این نهاد را رد کردند و خواهان استفاده از سازوکارهای دیگری شدند. درحالی که رهبری ایران، بر به‌کارگیری شورای نگهبان به‌عنوان تنها سازوکار

نهادی-قانونی و رسمی برای حل و فصل و رسیدگی به مناقشه انتخاباتی خرداد ۱۳۸۸ تأکید داشت، معترضان به نتایج انتخابات، با نفی صلاحیت این نهاد، خواهان استفاده از یک سازوکار رسمی، یعنی نهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام و سازوکارهای غیررسمی پیشنهادی خود، یعنی تشکیل یک هیئت حکمیت ملی مستقل که مورد پذیرش شخصیت‌های سیاسی و مذهبی (آیات عظام) باشد، بودند؛ پیشنهادهایی که پذیرفته نشد.

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، اگرچه مناقشات انتخاباتی، جزء جدایی‌ناپذیری از چرخه انتخابات هستند، آنچه در اینجا تعیین‌کننده است، وجود یا دسترسی به سازوکارهایی است که می‌توانند به‌مثابه فرایندی برای حل و فصل مناقشه انتخاباتی فرض شوند تا طرفین مناقشه از طریق آن‌ها، وضعیت خود را با انجام اقدامات همکاری‌جویانه بهبود بخشند.

نتیجه‌گیری

با وجود حجم انبوه مطالعات موردی درباره مناقشات انتخاباتی، نویسندگان دریافته‌اند که پژوهش‌های مرتبط با این حوزه موضوعی، بسیار پراکنده و آشفته هستند؛ از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف شناسایی و دسته‌بندی سازوکارهای به‌کاررفته در حل و فصل مناقشات انتخاباتی، اقدام به تحلیل نظری این مطالعات کرده است. یافته‌های این تحلیل نظری نشان می‌دهد، براساس نوع سازوکارهای مورد استفاده در فرایند حل و فصل مناقشات انتخاباتی می‌توان از سه رویکرد برای حل این‌گونه مناقشات نام برد که عبارتند از: رویکرد رسمی (مبتنی بر به‌کارگیری سازوکارهای رسمی)؛ رویکرد غیررسمی (مبتنی بر به‌کارگیری سازوکارهای غیررسمی / جایگزین)؛ رویکرد ترکیبی یا تلفیقی (به‌کارگیری هم‌زمان سازوکارهای رسمی و غیررسمی).

همچنین، یافته‌ها گویای این است که کاربرد هریک از نظام‌ها یا سازوکارهای سه‌گانه حل و فصل مناقشه در کشورهایی که مناقشات پس‌انتخاباتی را تجربه کرده‌اند، براساس نوع نظام سیاسی و قضایی، نظام‌های انتخاباتی، و نوع مناقشه، متفاوت بوده است. با وجود این، تحلیل نظری حاضر نشان می‌دهد، شکل‌های

مختلفی از نظام‌های رسمی حل و فصل مناقشه با رویه‌های قضایی در سراسر جهان به کار می‌روند، اما استفاده از شیوه‌های جایگزین، به‌عنوان سازوکارهایی برای حل و فصل مناقشات انتخاباتی، به‌لحاظ تاریخی، رویکردی است که بیشتر به قاره آفریقا مربوط می‌شود؛ جایی که تاریخ انتخاباتی خشونت‌باری داشته است. نمونه‌هایی از تجربه کشورهای آفریقایی نشان می‌دهد، در شرایط گذار و زمانی که افراد به سازوکارهای رسمی بی‌اعتماد هستند، و در واقع، در شرایط خطر یا وضعیت‌هایی که امکان به‌خشونت کشیده شدن و در نتیجه، تهدید ثبات سیاسی وجود دارد، استفاده از سازوکارهای رسمی / جایگزین، مناسب به‌نظر می‌رسد. در واقع، سازوکارهای جایگزین، سازوکارهای مستقل یا قائم‌به‌ذاتی نیستند، بلکه مکمل سازوکارهای دیگر حل و فصل مناقشه هستند. یافتن سازوکار حل و فصل مناقشه جایگزینی که مورد پذیرش نخبگان سیاسی رسمی و همچنین طرفین مناقشه باشد، کار دشواری است. استدلال پژوهش حاضر این است که اگر در تعریف توصیف «جایگزین» از اصطلاح «حل و فصل جایگزین» جرح و تعدیل ایجاد کنیم و آن را نه به‌معنای جایگزین سازوکارهای رسمی، بلکه مکمل آن‌ها در نظر بگیریم، در عمل، می‌توان براساس نوع مناقشه و زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی یک کشور و همچنین، جدی گرفته شدن سازوکارهای غیررسمی پیشنهادی از سوی معترضان به نتایج انتخابات، از تلفیقی از سازوکارهای رسمی و غیررسمی استفاده کرد.*

یادداشت‌ها

۱. نظریه‌های کلاسیک نمایندگی، به آن دسته از نظریه‌های دموکراسی اشاره دارد که در زمینه تاریخ سیاسی اروپای غربی در قرن شانزدهم میلادی شکل گرفته‌اند. در این جوامع، نوعی نظام حکومتی با شکل نوین (پارلمانی) پدیدار شد که از آن با عنوان «دموکراسی مبتنی بر نمایندگی» یا «دموکراسی نمایندگی» "Representative Democracy" یاد می‌شود. در این نظام حکومتی، حکومت، مدعی فرمانروایی بر مردم نیست. بلکه به سبب انتخاب سیاستمداران از سوی مردم به منظور اقدام از سوی آن‌ها، نماینده مردم است. از جان استورات میل، جیمز مدیسون، و جان لاک به عنوان نظریه پردازان دموکراسی نمایندگی یا لیبرال یاد می‌شود. دموکراسی مستقیم "Direct Democracy" و دموکراسی تکثرگرا "Pluralist Democracy" دو گونه دیگر از نظریه‌های کلاسیک دموکراسی هستند که به ترتیب با نام موریس دوورژه و ژوزف شوپیتر و رابرت دال شناخته می‌شوند.

۲. کشورهای در حال گذار به دموکراسی به کشورهایی گفته می‌شود که فرایند انتقال یا گذار از رژیم‌های اقتدارگرا/ غیردموکراتیک را تجربه کرده‌اند. ساموئل هانتینگتون (۲۰۰۸-۱۹۲۷)، نویسنده برجسته آمریکایی، از سه موج دموکراسی بحث کرده است: موج اول از ۱۸۲۸ تا ۱۹۲۶، موج دوم از ۱۹۲۶ تا ۱۹۷۵ و موج سوم از ۱۹۷۴ به بعد تا ۱۹۹۰ (هانتینگتون، ۱۳۹۲: ۱).

3. Merriam- Webster.com/ dispute, 2019: 1.

۴. مطالعات انتخاباتی، یکی از ریشه‌دارترین حوزه‌های علوم سیاسی به‌شمار می‌آیند. تاریخچه این مطالعات به آغاز پژوهش دانشگاهی درباره رأی‌دهی در دانشگاه کلمبیا در سال ۱۹۴۰ پیوند خورده است. براساس یک تعریف، مطالعات انتخاباتی به پژوهش‌های دانشگاهی‌ای اشاره دارد که بر مراحل اصلی فرایند انتخابات، یعنی کارزار انتخابات، رأی‌گیری، اعلام نتایج، و تشکیل حکومت پس‌انتخابات متمرکز هستند. این پژوهش‌ها زیرگروه جداگانه‌ای از مطالعات در زمینه دموکراسی را به وجود می‌آورند (Lama- Rewal, 2009).

۵. دادگاه استیناف یا واخواهی، به دادگاهی گفته می‌شود که قدرت و اختیار شنیدن اعتراض به یک دادگاه نخستین یا دیگر دادگاه‌های پایین‌تر محکمه‌ای را دارد.

منابع

توسلی جهرمی، منوچهر (۱۳۸۱-۱۳۸۰)، «نگاهی به شیوه‌های جایگزین حل اختلاف "ADR" در مقررات جدید اتاق بازرگانی»، *مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران*، ش ۲۶ و ۲۷.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۹۰)، *فرهنگ متوسط دهخدا*، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

خاتمی، سیدمحمد (۱۳۸۸)، «رفراندوم قانونی، راه برون‌رفت از بحران کنونی است»، ۲۸ تیر ۱۳۸۸ در دسترس در:

<https://www.dw.com/fa-ir/>.

دهقانی، جواد؛ ملکوتیان، مصطفی (۱۳۹۴)، «نقش راهبردی مقام معظم رهبری در ناکام گذاردن وقایع انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸»، *فصلنامه علمی-پژوهشی انقلاب اسلامی*، سال دوازدهم، ش ۴۳.

سایت شورای نگهبان (۱۳۹۱)، «قانون انتخابات ریاست‌جمهوری ایران با آخرین اصلاحات»، ۱۷ اسفند ۱۳۹۱ در دسترس در:

<https://shora-gc.ir>

غفاری، مصطفی (۱۳۹۷)، *فتنه تغلب (روایت‌هایی از متن و فرامتن فتنه ۸۸)*، تهران: نهضت نرم‌افزاری (وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی).

بهروزی، ابوذر؛ مطلبی مقدم، آفرین (به‌اهتمام) (۱۳۸۸)، *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸*، تهران: انتشارات نوآور.

قیصری، نورالله؛ طاهری فدافن، دانیال؛ و باقری فارسانی، مهدی (۱۳۹۴)، «مدیریت انتخابات در ایران؛ کیفیت و ارزیابی اجرا»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، سال چهارم، شماره ۱۳.

واعظی، محمود (۱۳۸۴)، «مبانی نظری میانجی‌گری در مناقشات بین‌المللی»، *دانشنامه حقوق و سیاست*، سال اول، ش ۲.

هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر (۱۳۸۸)، «خطبه‌های آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه»، ۲۶ تیر ۱۳۸۸ در دسترس در:

<https://old.alef.ir>.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۹۲)، *موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم*، ترجمه احمد شهسا، چاپ پنجم، تهران: انتشارات روزنه.

Afolabi., Babatunda, Avasiloae, Sabina (2015), "Post- Election Assessment of Conflict Prevention and Resolution Mechanisms in Nigeria", Available at: [www.hdcentre.org /uploads, 2016/06](http://www.hdcentre.org/uploads/2016/06).

Agbehonou, E (2014), "A Preventive Approach to Post-Election Conflicts in Contemporary Africa, Dissertation for the Degree of Doctor of Philosophy in International Conflict Management", kennsaw State University, Available at: <http://digitalcommons.kennesaw.edu/etd>.

Alem, Yasmin (2011), "Duality by Design: the Iranian Electoral System", International Foundation for Electoral Systems (IFES), Available at: www.IFES.org.

Alvarez, R (2001), "Explaining the Quality of Elections: Electoral Dispute Resolution Matter", Available at: <https://ecpr.eu>.

Becerra, Jessica (2018), "The Possibility of Using Alternative Dispute Resolution for Election Law Disputes", *Pepperdine Dispute Resolution Law Journal*, Vol.18, ISU 1, p.p 117-138, Available at: <https://digitalcommons.pepperdine.edu/drlj>.

Bekoe, D. A (2012), "Introduction: the Scope, Nature, and Pattern of Electoral Violence in Sub- Saharan Africa", In: Bekoe, D.A (Ed.), *Voting on Fear: Electoral Violence in Sub- Saharan Africa*, Washington, D.C: Uni States Institute of Peace Press.

Carter Center (2018), "Final Report: 2017 Kenya General and Presidential Elections", Available at: <http://reliefweb.int>.

Darmanovic, Srdjan (2010), "Electoral Disputes- Procedural Aspects", In: Supervising Electoral processes (2010), *Council of Europe Publishing*, Available at: [Http://book.coe.int](http://book.coe.int).

DRI (2013), "Election Dispute Resolution: Analysis of Pakistan's Mechanisms Prior to the 2013 Parliamentary Elections", Available at: www.democracy-reporting.org/Pakistan. Democracy Reporting International.

Eshetu, Tefera., Getu, Mulugeta (2009), *Alternative Dispute Resolution: Teaching Material*, The Justice and Legal System Research Institute.

Fath – Lihic, Annette M., Brancati, Dawn (2018), *Elections and Peacebuilding: why the Timing and Sequencing of Transitional Elections Matter*, Electoral Integrity Initiative.

Fischer, Jeff (2002), "Electoral Conflict and Violence: A Strategy for Study and Prevention", In: IFES White Paper, Available at: <http://aceproject.org/ero.en/topics/lelections-security/> UNPAN 192.

Gleb, Alan., Diofasi, Anna (2016), "Biometric Elections in Poor Countries: wasteful

or a Worth While Investments?", Available at: <http://www.cgdev.org/publication/biometric-election-poor-countries-wasteful-or-worthwhile-investment>.
Green, Rebecca (2012), "Mediation and Post-Election Litigation: A way forward, Faculty Publications", Paper1479, *Ohio state Journal on Dispute Resolution*, vol.27, No.2. p.p 325-369. Available at: <http://scholarship.law.wm.edu/facpubs/1479>.

Hoglund, K. and Jarstad, A. K (2010), "Strategies to Prevent and Manage Electoral Violence: Consideration for Policy", Policy & Practice Brief knowledge for Durable Peace, the African Center for the Constructive Resolution of Disputes (ACCORD), Available at: www.accord.org.za.

IDEA (2010), "Electoral Justice: An Overview of the International IDEA Handbook", Available at: WWW.idea.int.

Institution, WANEP (2011), "Responding to Electoral Disputes in West Africa (Experts Meeting for the Development of a Practice Guide)", Available at: www.wanep.org/attachments/article.

Jackson, Rachel (2013), "Creating Avenues to Resolve Election: Disputes: Conflict Management Committees in Zambia, 2001-2011", Available at: www.princeton.edu/successfulsocieties.

James, S. T (2018), "Comparative Electoral Management: Networks, Performance and Instruments", Available at: www.tobyJames.com.

Jinadu, Adele (2014), *Lessons from Electoral Management and Processes in West Africa*, South Africa Institute of International Affairs (SAIIA).

Kaaba, O'brien (2015), *The Challenges of Adjudicating Presidential Election Disputes in Africa: Exploring the Viability of Establishing an African Supranational Elections Tribunal*, University of South Africa.

Khaled, Mohammed Aman. and Kulliyyah, Ahmad Ibrahim (2008), *Mediation: Aavailable Mechanism in Africa's Political Crisis- A Case Study of Kenya's Post-Election Crisis 2008*, International Islamic university Malaysia.

Khalid, F (2014), *Traditional Mechanisms of Conflict Resolution: An Analysis of Jirga in Pakhtoon Society*, Proceedings of International Conference on Local Representation of Power in South Asia Held at University, Lahore on November 12-14.

Kovick, D., Young, J. H. and Tohbi, L. V (2011), "Alternative Dispute Resolution Mechanisms", In: Vickery, Chad (2011), *Guidelines for Understanding, Adjudicating, and Resolving Disputes in Elections* (GUARDE), International Foundation for Electoral Systems, Washington D.C.

Lama- Rewal, Stephanie. Tawa. (2009), "Studying Elections in India: Scientific and Political Debates", *South Asia Multidisciplinary Academic Journal*, Available at: <http://samja.revues.org/2784>.

Merriam- Webster, Dispute (2017), Available at: <https://www.merriam-webster.com>.

Nkansah, Lydia (2015), "Dispute Resolution and Electoral Justice in Africa the Way for Word", Available at: <https://www.codsria.org>>IMG>.

Odoziobodo, Severus Ifeanyi., Banko, Hyginus Okibe (2017), "From Pessimism to Optimism: An Assessment of Elections Conducted in Nigeria from 1999-2015", *The International Journal of Humanities and Social Studies*, Vol.5, ISU 2, P.P 71-81.

Pastor, R. A (1999), "The Role of Electoral Administration in Democratic Transitions: Implications for Policy and Research", *Democratization*, Vol.6, No.4: 1-27. Available at: <http://www.american.edu/ia/cdem>.

Popova, Maria (2006), *Watchdogs or Attack Dogs? The Role of the Russian courts and the Central Election Commission in the Resolution of Electoral Disputes*, Europe- Asia Studies.

Wikipedia (2017), "List of Controversial Elections", Available at: <https://en.m.wikipedia.org>.

ZESN (2007), "Zimbabwe Election Support Network (ZESN)", Available at: www.zesn.org.zw/wp-content/.